

پیام تشکر و قدردانی دبیر دوازدهمین جشنواره بین المللی تئاتر خیابانی مریوان

حمد و سپاس فراوان ، محبوب بیکران را که از سر لطف ، توفیق خدمت به عاشقان فرهنگ و هنر را نصیب گردانید. برگزاری دوازدهمین جشنواره بین المللی تئاتر خیابانی مریوان برگ زرین دیگری بود در تاریخ سرزمین فرهنگ و هنر. و بی شک اعتلای این جشنواره و دست یابی به اهداف تعیین شده، جز با کوشش و مساعی یکایک نقش آفرینان این عرصه مهیا نمی شد که از آنجمله اند:

مردم بزرگوار، شریف و هنر دوست شهر مریوان - صاحبان اصلی جشنواره- که با همدلی، همراهی وهمکاری خود باعث قوام این جشنواره در مریوان شدند که به گواهی شرکت کنندگان ایرانی و خارجی، مهمانان ومسئولین ، فهیم ترین، نجیب ترین و حرفه ای ترین تماشاگران تئاتر خیابانی به شمار می روند.کلیه شرکت کنندگان در جشنواره، جناب آقای مهدی شفییعی مدیر کل محترم هنرهای نمایشی وهمکاران محترم ایشان، جناب آقای دکتر بهداروند مدیر عامل محترم انجمن هنرهای نمایشی ایران وهمکاران محترم انجمن ،جناب آقای مرادی نماینده محترم مردم مریوان وسروآباد در مجلس شورای اسلامی،جناب آقای شفییعی فرماندار محترم ودلسوز مریوان ، جناب آقای دکتر نصرالهی زاده ریاست محترم سازمان مدیریت و برنامه ریزی استان کردستان، جناب آقای دکتر همت پور معاون محترم هماهنگی بودجه سازمان مدیریت و برنامه ریزی استان کردستان وهمکاران محترم ایشان ،جناب آقای سامان خلیلیان مسئول دفتر تخصصی تئاتر خیابانی،جناب آقای مهدی حاجیان مدیر محترم دبیرخانه جشنواره های اداره کل هنرهای نمایشی، اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی کردستان، اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی مریوان،اداره کل بهزیستی استان کردستان، نیروهای نظامی و انتظامی شهرستان مریوان، شهرداری و شورای اسلامی شهر مریوان،ادارات سلط شهرستان به ویژه اداره بهزیستی، اداره برق،اداره آموزش و پرورش،سازمان تبلیغات اسلامی، اداره ورزش وجوانان، جهاد کشاورزی ،هلال احمر،

خبرنگاران واصحاب رسانه، انجمن نمایش استان کردستان، شرکت مهتدی مشاور راه یاب ملل به مدیریت آقای مظفر بیگلر، اتاق بازرگانی، صنایع، معادن وکشاورزی استان کردستان (جناب آقای محمدنجیب اداک)، شورای هماهنگی مبارزه با مواد مخدر استان کردستان(جناب آقای سلیم کریمی)، جناب آقای فاضل سنندجی، همکاران بزرگوارو همدل وسختکوش ستاد اجرایی جشنواره شهرستان. کمال تدرستی ودوام توفیقات این بزرگواران را ازایزد یکتا خواستارم.

فاتح بادبروا
دبیر دوازدهمین جشنواره ی بین المللی تئاتر خیابانی مریوان

نامه انجمن سبز چیا به معاونت محترم ریاست جمهوری و ریاست محترم سازمان حفاظت محیط زیست کشور



بی توجهی به عرصه های طبیعی و اکوسیستم حساس و باارزش زربیار دارد. روغن موتور، کیسه زباله بسته بندی ماست و کره و... استفاده می شود. PVC به معنی وجود پلی وینیل کلراید است که برای سلامت انسان و محیط زیست خطرناک است. باید از تماس مواد غذایی گرم با این نوع پلاستیک و یاسوزاندن آن جدا خودداری گردد.

از این ترکیب، برای درست کردن ظروف شیشه پاک کن، روغن های خوراکی، شامپو و... استفاده می شود. ۴- (LDPE) پلی اتیلن سبک. پلاستیک آن هیچ نوع ماده سمی وارد آب درون بطری نمی کند. ولی آکیدا توصیه می شود هیچ نوع مواد دیگری داخل آن ریخته نشود.(دوغ و...).

از این ترکیب در ساخت بطری هایی که باید قابل فشرده شدن و انعطاف پذیر باشند استفاده می شود.(کیسه های نان، بسته بندی مواد غذایی یخ زده و...).

۵- پلی پروپیلن (PP) مناسب آب معدنی نیست و گرچه پلاستیک سالمی است اما برای ماست یا شربت استفاده می شود. این ترکیب، بی خطر است و اگر چنانچه در مجاورت مواد غذایی داغ قرار گیرند خطری ایجاد نمی کند.

برای ساختن ظروف محلول های غلیظ، ظرف ماست، بطری سس گوجه فرنگی، درب پلاستیکی بطری ها، نی نوشیدنی، بطری شربت های دارویی مورد استفاده قرار می گیرد.

۶- پلی استرن (PS) که حاوی استیرن است و به اعصاب آسیب می رساند. ریختن مواد گرم یا گرم کردن خود ظرف

افتتاح تونل جادهی مریوان-سنندج در سال آینده

نماینده ی مردم مریوان و سروآباد در مجلس شورای اسلامی اعلام کرد که بدهی پروژه ی جاده مریوان سنندج پرداخت شده است و در طول چند ماه اخیر که پروژه به دلیل بریزش های تونل باغان متوقف شده بود مجدداً از سر گرفته شده و ریزش برداری تونل شروع شده است.

ایشان افزودند که با اختصاص ۱۹ میلیارد تومان اعتبار به جاده ی مریوان سنندج، این پروژه در سال آینده افتتاح می شود و جاده ی فعلی این محور نیز که ۴۰ نقطه ی حادثه خیز دارد با اعتباراتی که جذب شده، روکش آسفالت می شود.

محور مریوان- کامیاران هم با توجه به وعده های پیمانکاران در سال آینده به بهره برداری خواهد رسید.

نمایشگاه عکس

ما از طریق عکسی که با دوربین ما می گیریم، می توانیم به تمام کتاب هایی که خوانده اند، تمام موسیقی هایی که تا امروز شنیده اند و تمام عشق ها و علاقه هایی که بین شان وجود داشته است، دست یابیم. «انسل آدامز» کانون فرهنگی-هنری «قه ژین» و «انجمن هنرهای تجسمی مریوان» از تاریخ ۲۷ الی ۳۰ شهریور در نگارخانه ی مریوان برپا شد که شامل آثار ۳۲ هنرجو و ۲۹ اثر عکس بود. بیشتر آثار در اردوی عکاسی به روستای «گبلی کران» ثبت شده بودند.

این نمایشگاه با استقبال چشمگیر بازدیدکنندگان همراه بود.

لازم به ذکر است که هرساله کلاس های آموزشی بسیاری توسط کانون فرهنگی-هنری «قه ژین» برپا می شود و کارگاه عکاسی امسال علی رغم آتش سوزی عمدی «قه ژین» مانند کلاس های دیگر برپا شده و خللی در برپایی کلاس ها به وجود نیامد.



هنرمندانی که در نمایشگاه عکس شرکت کرده اند.

پنجاه و هشت هزار هکتار در کردستان حدفاصل شهرهای سروآباد، مریوان و کامیاران و هم مرز با کوردستان عراق واقع شده است. در این منطقه بیش از هزار گونه گیاهی و جانوری از پرنده، پستاندار، خزنده و ... شناسایی شده است. از گونه های شاخص جانوری می توان به سیاه گوش، کل و بز، خرس قهوه ای، پلنگ، کرکس، هما، عقاب طلایی و سمندراتشین اشاره کرد.

تعارضات و تهدیدهای منطقه با آبگیری سد داریان اکنون بیش از همیشه به جان شاهو و کوسالان افتاده و خبر درخواست برای کاهش منطقه حفاظت شده تا از طریق آن بتوان مجوز تخریب گسترده جاده سازی و سدسازی گرفته شود همه دوستداران طبیعت و سرزمین اهورایی را نگران کرده است و بدین وسیله انجمن سبز چیا هم صدا در کنار بومیان این منطقه ضمن اعتراض به هرگونه تخریب و تلاش برای کاهش منطقه حفاظت شده شاهو و کوسالان از مسئولین محترم از جمله نماینده محترم مریوان و سروآباد در مجلس و اداره کل حفاظت محیط زیست کردستان درخواست می نمایند که تلاش برای کاهش منطقه حفاظت شده را کنار بگذارند چراکه کاهش بیست هزار هکتاری این منطقه که طبق شواهد و گزارش ها ارتفاعات تته تا ارتفاعات "ه وار ده ره ویان" در نزدیکی روستای سلین و بلبر را شامل می شود (بی شک از بخش های باارزش منطقه شاهو و کوسالان است) صدمات و تبعات جبران ناپذیری زیستی، فرهنگی و اجتماعی را به همراه خواهد داشت. در پایان لازم است اشاره کنیم وجود مناطق حفاظت شده در هر سرزمینی به راحتی می تواند موجبات توسعه انواع بخش های زیست محیطی، آموزشی، اکو توریسم، فرهنگی و... را فراهم نماید چرا در این مسیر قدم بر نمی دارید؟ آیا سد داریان با تخریب گسترده و صدمات جبران ناپذیری که به منطقه وارد کرد توانست سهمی در توسعه اورامان داشته باشد؟

و نقاط حساس زربیار روزبه روز در حال افزایش است که این مسئله می تواند انواع آلودگی و تخریب زیستگاه حیات وحش را به همراه داشته باشد و توسعه گردشگری در شاخص ترین مکان گردشگری کردستان را با چالش جدی مواجه کند.

لذا انجمن سبز چیا مریوان با توجه به حساسیت های مردمی، نگرانی عمیق خود را نسبت به تعرض جدید به زربیار و محدوده تالاب توسط ارگان های نظامی ابراز داشته و از جنابعالی می خواهیم ضمن انتقال مراتب اعتراض و نگرانی شدید این تشکل به مراجع و ارگان های ذی ربط در این مسئله، در اسرع وقت هرگونه ساخت وساز متوقف گشته و بر اساس قوانین و ضوابط بدون تبعیض، حکم تخریب آن بنای مذکور صادر و اجرا گردد.

با تشکر
سید عرفان حسینی
مدیرعامل انجمن سبز چیا

مشخص می کنند. توصیه ها:

هیچ وقت بطری ها را روی زمین نریزیم و آن را نسوزانیم زیرا؛ ۶۰ نوع گاز خطرناک از جمله دی اکسید کربن را بیرون می دهد که با چشم دیده نمی شود.

در به ناسازی خانه ها حتی الامکان از پلاستیک استفاده نکنیم. در خانه ای، اگر پلاستیک زیاد باشد هوای اتاق را آلوده می کند، در نتیجه یادگیری بچه هایمان، کندتر می شود. همان طور که از هر ۱۰ بچه، ۸ بچه ماده پلاستیکی وارد بدنش می شود و ۹۰٪ در ادرار، ماده پلاستیکی وجود دارد.

همان طور که زنجیره ی خوراکی انسان ها، آب و خاک و هوا است، در نتیجه تا می توانیم از پلاستیک استفاده نکنیم. مثلاً به جای پلاستیک آب معدنی، مقمقه استیل، یا بطری های شیشه ای جایگزین شود.

بطری آب معدنی را هیچ وقت فشار ندهیم چون دیرتر تجزیه می شود.

زمین تا حالا ۵ بار قربانی شده است و آخرین بار، ۶۵ میلیون سال پیش در زمان دایناسورها بوده است و اگر به همین روال پیش برود در چند صدسال آینده هم این فاجعه تکرار خواهد شد بر اثر گرم شدن زمین که همه از مشتقات نفت است و مواد پلاستیکی یکی از آن ها است.

آب ها هم از مواد پلاستیکی به دور نبوده اند. در نتیجه ۲۵۰ موجود آبرزی ماده پلاستیکی می خورند.

سروشست، به ته نیا ملکی نئمه نیبه، به لکوو ملکی هه موو بوونه و دره کانه. با بیباریزتین.

منوع و سبب آزاد شدن مواد شیمیایی می شود. این ترکیب خطرناک است و در مجاورت با غذای داغ، آن را به شدت سمی می کند.(ظروف یک بار مصرف، شانه تخم مرغ، بسته بندی انواع گوشت، بطری حاوی قرص ها و کیسول ها ...)

(OTHER). حاوی بیسفنول A است که باعث اختلالات هورمونی می شود و در کاهش تدریجی ترشح هورمون استروژن در زنان دخیل است و در ساختن بطری های آب ۱۰ و ۲۰ لیتری مورد استفاده قرار می گیرد.

بطری هایی که در انتهای آن ها عدد های ۲، ۴، ۵ درج شده است برای فریز کردن آب و چندین بار مصرف آن مناسب است. ولی در کل، تا کید می شود تا جایی که امکان دارد از بطری استفاده مجدد نشود و به هیچ عنوان، ماده دیگری مانند دوغ در آن ریخته نشود زیرا؛

خطر ابتلا به سرطان (سرطان سینه) را افزایش می دهد چون پلاستیکی هستند که پایه ی نفتی دارند.

آب گرم داخل اتومبیل را مصرف نکنید زیرا؛

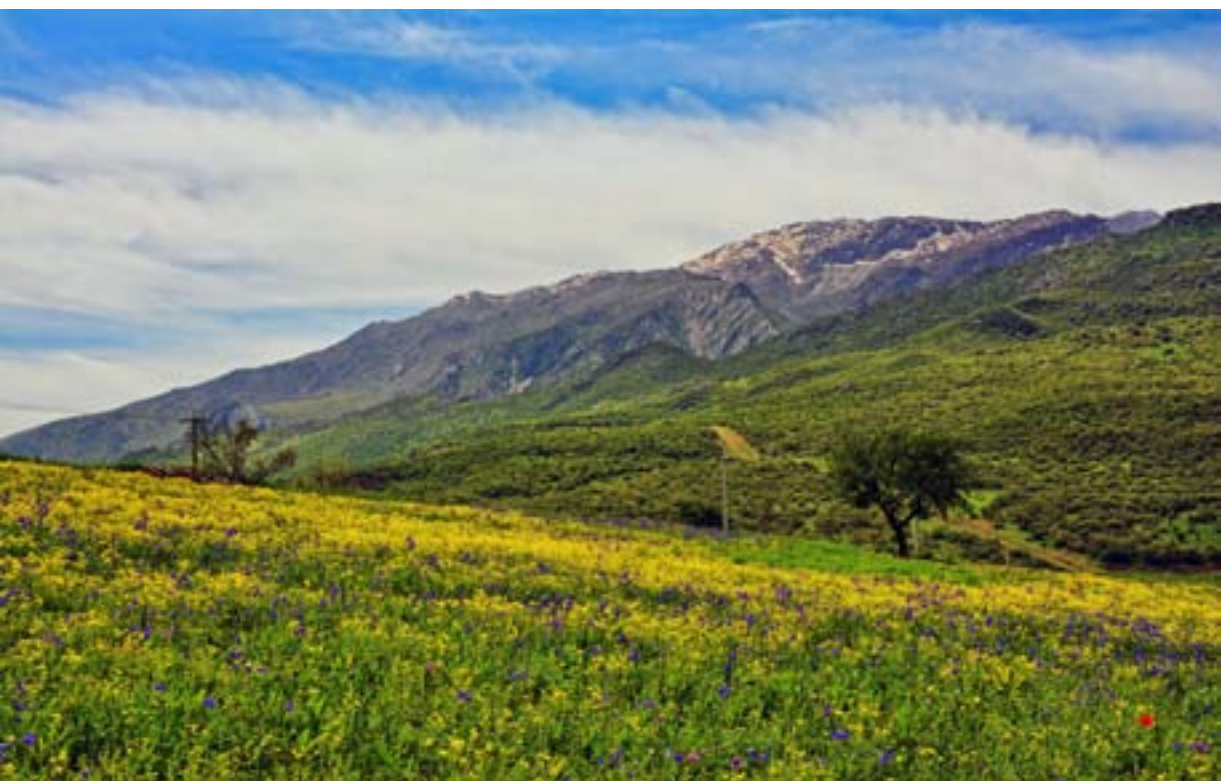
گرما باعث واکنش شیمیایی در پلاستیک شده و در نهایت باعث آزاد شدن مولکول های آن در آب می شود. این مولکول ها به صورت سم مهلکی موجب تشکیل بافت سرطانی در ناحیه ی سینه می شوند.

باترک خوردن این بطری ها ماده ای سرطان زایی به نام DEHA وارد آب می شود.

ماده پلیمر چیست؟

ماده ای است نگهدارنده برای نرمی، براقی... که از ۶۰-۷۰ نوع مواد درست شده است که این عددها نوع پلیمر را

تلاش برای از بین بردن منطقه حفاظت شده شاهو و کوسالان



حدود ۱۵۰ منطقه حفاظت شده در ایران وجود دارد و میانگین کشوری حدود ۱۲ درصد از اراضی هراستان را شامل می شود که استان کوردستان با وجود عرصه های پهناور و تنوع زیستی غنی این آمار متأسفانه پایین تر از میانگین کشوری است و در حدود ۹ درصد با مساحت حدود ۲۶۶

در حالی که در تمام دنیا کشورها در حال تلاش و صرف هزینه برای حفاظت از زیست بوم های با ارزش و غنی خود هستند اما این قضیه در کوردستان برعکس شده است. کانال تلگرامی نماینده محترم مریوان در مجلس شورای اسلامی افتخار گونه از تلاش برای کاهش منطقه حفاظت شده شاهو و کوسالان خبر می دهد چراکه ایشان معتقدند محیط ایست مانع توسعه اورامانات شده است. از آنجا که تلاش ها برای احداث جاده روستایی روار به عباس آباد در تنها زیستگاه باقی مانده پلنگ در منطقه حفاظت شده شاهو بعد از چندین و چندین بار پیگیری به دلیل امکان ایجاد تخریب گسترده در داخل منطقه حفاظت شده بارها از سوی سازمان محیط زیست رد شده است اما باز باروی کار آمدن دولت جدید تلاش های مجددی از سوی نماینده برای این تخریب و بیشتر از آن یعنی کاهش سی درصدی منطقه حفاظت شده شاهو و کوسالان در حال جریان است که بی شک این رویه نمی تواند خبرهای خوبی برای سرزمین اهورایی کوردستان باشد. طبق گزارش های رسیده به دفتر انجمن سبز چیا در اوایل پاییز سال جاری با برگزاری جلسه ای در اداره کل حفاظت محیط زیست استان کوردستان تلاش ها برای نابودی بیست هزار هکتار از منطقه حفاظت شده شاهو و کوسالان آغاز شده و حتی این درخواست به سازمان حفاظت محیط زیست ارسال می شود.

منطقه حفاظت شده، یکی از مناطق چهارگانه حفاظت محیط زیست ایران می باشد محدوده ای از منابع طبیعی چون جنگل، مرتع و ... است که به جهت ضرورت حفظ و تکثیر جانوران و رستنی هایش تحت حفاظت قرار دارد و در آن قطع درختان و تخریب و شکار بدون مجوز ممنوع می باشد. این مناطق با هدف حفظ و احیای رویشگاه های گیاهی و زیستگاه های جانوری انتخاب می شوند و اهمیت بالایی در حفظ و نگهداری زیست بوم های با ارزش جهت نسل حاضر و آینده دارد.



■ شنبه ۱۵ مهر ۱۳۹۶ ■ سال دهم ■ شماره ۲۴ ■



■ **وریا تاسه**
کارشناس ارشد حقوق بشر

مقدمه

کولبری مدلی از نقض فاحش

حقوق بشر است که از جنبه‌ی نوع‌دوستی این قضیه آن قدر

بُرزده و غیرانسانی است که بحث از آن انسان را به تفکر عمیقی وامی‌دارد، شاید بتوان آن را یکی از هزار بحران انسانی خاورمیانه دانست که سه دولت ایران، عراق و ترکیه در مرزهای خود به‌طور مستقیم و غیرمستقیم درگیران می‌باشند، کولبر و کاسب‌کار مرزی با توجه به آنچه در مرزهای ایران با عراق و ترکیه رایج است کسی است که بازی را با کول خود یا از طریق حمل با حیوانات باربر از کشور یا در کشور دیگر خواه به‌صورت قانونی و مدیریت‌شده (بازارچه‌های مرزی) و خواه از طریق راه‌های غیرقانونی وارد می‌نماید. این پدیده شاید قدمت طولانی نداشته باشد اما با توجه به وضعیت اقتصادی مردم شدت آن در مناطق مختلف ایران متفاوت است، با توجه به هم‌مرز بودن کردستان ایران (ایلام، کرمانشاه، کردستان و آذربایجان غربی) با عراق و ترکیه شمار زیادی از کولبران در این مناطق ساکن و متأسفانه از این طریق طاقت‌فرسا و غیرانسانی مشغول به امرارمعاش می‌باشند.

کولبری با توجه به وجهه‌ی غیرانسانی و غیرقابل‌دفاع آن هیچ‌یک از معیارهای شغل و کار را ندارد، اگر شغل را بالنزی حقوق بشری، وضعیت تعریف نماییم که انسان از زوری اراده و اختیار خود اقدام به انتخاب آن می‌نماید کولبری آخرین امید و آخرین انتخاب سخت و صعب بخشی از ساکنان مناطق مرزی است که هر تلاشی برای سازمان دهی و ترویج این فرهنگ بزرگ‌ترین خیانت انسانی در حق ساکنان این مناطق است. هر شغل و حرفه‌ای باید بتواند محرک خلاقیت و توانایی فرد باشد، کار و حرفه‌ای که انسان را تحقیرنماید و زمینه‌ی شوکوفای استعدادهای وی را فراهم ننماید نمی‌تواند کاری انسانی و رضایت‌بخش باشد و در چهارچوب هیچ‌کدام از اسناد حقوق بشری جای نمی‌گیرد. این نوشتار با نگاهی حقوق بشری در تلاش برای انگشت نهاندن بر نقض‌های مرتبط با این بحران انسانی است و در تلاش است تا حقوق بشر کولبران و کاسب‌کاران مرزی را موردبررسی قرار دهد، نویسنده به‌هیچ‌عنوان تمایلی به معرفی و شناساندن کولبران و کاسب‌کاران به‌عنوان قاچاقچی ندارد و هرگونه تلاش برای سازمان دهی و ترویج کولبری را تلاشی غیرمستولانه و غیرقابل‌دفاع می‌داند ودلائل خود را در ادامه مطرح و از این پیش‌فرض خود نیز دفاع می‌نماید.

کولبران و حق آزادی کار و معیشت

بدون شک کسانی که مشغول کار طاقت‌فرسا و غیرمنصفانه‌ی کولبری و سایر اشکال آن در مرزها می‌باشند، از طرفی آزادی آن‌ها برای انتخاب و اشتغال به کار موردنظرشان نادیده گرفته‌شده و از طرف دیگر حق براحترام به کرامت ذاتی حین انجام کار، شرایط مطلوب کار، مزد کافی و … نادیده و اشکالی از استعمار و بهره‌کنشی از آن‌ها دیده می‌شود، اعلامیه جهانی حقوق بشر ازجمله ماده ۳، ۲۲، ۲۳ بر حق زندگی، آزادی و امنیت افراد تأکیددارند، همچنین



■ **تחסین مصطفی**

■ **مجلس به‌عنوان دستگاه قانون‌گذاری بالاترین نقش را در سیاست‌گذاری کلان**

کشور دارد. بخشی از نگرش متقابل مردم و نهادها، افراد جامعه به یکدیگر از سیاست‌گذاری‌های مجلس نشأت می‌گیرد.

تفاوت فاکتورهای ناسیونال طبیعی و تاریخی ملت کورد با سایر ساکنین ایران از بدیهیات انکارناپذیر است که بعد از شکل‌گیری دولت ملت رضاخانی این تفاوت‌ها توسط نهاد مجلس با اعمالی از قبیل تخلف سید حسن امامی رئیس مجلس شورای ملی و انتخابش به‌عنوان نماینده مهیاد به‌جای صارم الدین صادق وزیری که رأی مردم را کسب کرده بود تفاوت‌ها را برجسته نموده و این تفاوت‌ها که از نظر جامعه شناسان فرصت تلقی می‌شوند به تبعیض تبدیل شد و تفاوت‌ها را به‌جای استفاده بهینه دستمایه شکل دادن تخاصم کردند و این مخاصمات تا جایی پیش رفت که به بن‌بست دیپلماتیک کوردها با دولت دوم پهلوی برای تبدیل شد و دولت پهلوی به بیجان خود با کوردها پایبند نماند تا جایی که ماندن در چهارچوب سرزمینی ایران برای آن چنان ناامیدکننده بود که کوردها چاره‌ای بهتر از اعلام استقلال برای خود متصور نبودند. دولت پهلوی از انحلال جمهوری کردستان بر توافقات منافی انحلال پایبند نماند با روند دامن زنی به اختلافات و تبعیض علیه کوردها باهم کوردها در چهارچوب سرزمینی ایران

کولبری به‌مثابه‌ی بحرانی انسانی

آن‌ها نبوده، کولبران به‌هیچ‌عنوان نقشی در تعیین میزان دستمزد خود نداشته‌اند و آزادی انتخاب شغل و منع کار اجباری از کانون توجه اعلامیه جهانی است. کمیته حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی به‌عنوان بازوی اجرایی و نظارتی میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، در تفسیر عمومی شماره ۸۱ خود (IreneG tmemmoC از ماده ۶ میثاق، حق کار را برای سایر حقوق بشری ضروری می‌داند که جزئی می‌دهد، هرکس باید بتواند کار کند اما کاری که امکان زندگی توأم با کرامت انسانی را فراهم نماید، کمیته حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی تأکید می‌کند که حق بر کار به حیات فرد و خانواده وی کمک می‌کند و انتخاب آزادانه نیز در توسعه و رشد فرد و شناسایی او در جامعه تعیین‌کننده است، مزدی که از کولبری نصیب کولبران می‌گردد بسیار ناچیز است و کفاف معیشت آن‌ها را نمی‌کند، پس خارج از غیرقابل‌دفاع بودن کولبری به‌مثابه شغل و حرفه این وضعیت کولبران از جهات حقوق و مزایا غیرمنصفانه و مخالف شئون انسانی آن‌ها می‌باشد. با توجه به بیمه نبودن کولبران و نبود امنیت کاری دفاع از حقوق کار قابل‌پیگیری و مطالبه برای این قشر نمی‌باشد، مقاله

نامه شماره ۲۲۱ سازمان جهانی کار که در رابطه با سیاست اشتغال است، اشاره به اشتغال کامل، مولد و آزادانه دارد و تأکید می‌کند که حق بر انتخاب آزادانه اهمیت تعیین‌کننده‌ای در تضمین سایر حقوق افراد دارد که بسترو شرایط آن باید از جانب حاکمیت تأمین گردد تا زمینه‌ی روی آوردن افراد به کولبری در مرزها کاهش و در درازمدت از بین برود؛ اما ظاهراً حق انتخاب آزادانه شغل برای کولبران و میلیون‌ها انسان در سراسر جهان همچنان در آفتی دوردست قرار دارد.

کولبری و استعمار

مزد و شرایط منصفانه و رضایت‌بخش شغلی که فرد بتواند از طریق آن زندگی خود و خانواده‌اش را مطابق شئون انسانی بچرخاند در اعلامیه جهانی (ماده ۲۲) و سایر اسناد مورد اشاره قرار گرفته است، امری آشکار است که اکثر کسانی که به پیشه‌ی کولبری و کار در مرزها مشغول می‌باشند از طبقات پایین و قشر بی بضاعت اجتماع می‌باشند که در نبود موقعیت شغلی مناسب تن به کولبری داده‌اند، با آگاهی این مسئله و تحلیل جریان قدرت (قدرت اقتصادی) آشکار است که در عمق نابرابری‌های حاکم بر روابط کولبر و تاجران مرزی استعمار این گروه بیداد می‌کند، رنج و مشقتی که نصیب کولبران می‌گردد هرگز با مزد و سودی که روابط کولبر و تاجر استثماری نهفته است که بیکاری حاکم بر مناطق کوردنشین آن را کم‌رنگ کرده است، استعمار در روابط کولبر و تاجر به شکلی است که بیشترین سود برای تاجر همیشه بیشترین مشقت را برای کولبر به همراه داشته و بیشترین مشقت کولبران همراه با مزد و منفعت بیشتر برای

قائل گردد، اما باید هوشیار بود این مسئله که کولبری از یک بازارچه‌ی قانونی اقدام به حمل کول نموده یا از یک مرز غیرقانونی از اهمیت لزوم توجه به‌حق حیات نمی‌کاهد، پس در هر حالت جان و حیات کولبر مصون از تعرض می‌باشد و تمام تلاش نیروهای انتظامی و پلیس باید در راستای توقیف و بازداشت افراد باشد نه هدف قرار دادن و شلیک به آن‌ها. کمیته حقوق بشر که ناظر بر کنوانسیون حقوق مدنی و سیاسی می‌باشد می‌تفاوتی دولت نسبت به کسانی که حق حیات افراد را هدف قرار می‌دهند، نقض حق حیات می‌داند، خواه قانونی در رابطه با مجازات افراد موجود باشد یا موجود نباشد، کمیته حقوق بشر در تفسیر عمومی شماره ۴۱ ماده ۶ میثاق به لزوم



حمایت کفبری دولت از افراد در برابر سلب خودسرانه حیات از جانب سایر اشخاص اشاره می‌کند و همچنین به لزوم جلوگیری از کشتار افراد از جانب نیروهای نظامی دولتی تأکید می‌کند. این واقعیت باید برجسته گردد که اساساً حق حیات با هیچ‌کدام از حقوق و آزادی‌های دیگر داخل یا تازحم

ندارد و در رویکرد اسناد حقوق بشر، حقوق و آزادی‌هایی همچون امنیت ملی، امنیت اجتماعی، امنیت فردی دستاویزی برای نادیده گرفتن این حق نمی‌باشد، شلیک به کولبران به بهانه پاسداری از امنیت مرزها هیچ توجیه حقوقی و قانونی در اسناد بین‌المللی ندارد، اما مطابق قوانین ایران حقی بنیادین است که سایر حقوق در سایه‌ی آن رشد و نمو می‌کنند، حق حیات در اسناد حقوق بشری از حمایتی مطلق برخوردار است، یعنی هیچ‌کس تحت هیچ شرایطی نمی‌تواند این حق را تعلیق یا از کولبران سلب نماید، اگر حق حیات محترم شمرده نشود دیگر حقوق و آزادی‌ها معنا ندارند، پس کشتن کولبر به بهانه‌ی حفظ امنیت و آزادی شهروندان و برای حفظ امنیت و آسایش مرزها حتی در شرایط اضطراری غیرقابل‌توجیه است. همیشه

حاکمیت در برخورد با کولبران و کاسب‌کاران مرزی در تلاش بوده تا میان کولبران دارای مجوز رسمی و کولبران بدون مجوز تفاوت

بشری می‌باشد، توسعه‌ی اقتصادی در سایر بخش‌های اقتصادی یکی از راه‌حل‌های مقابله با بحران انسانی کولبری در مناطق کوردنشین می‌باشد، با توجه به مواردی که مورد اشاره قرار گرفت، کولبری اساساً یک بحران است و بحران نباید مورد حمایت و توسعه قرار بگیرد، بلکه باید زمینه ریشه‌کن کردن آن فراهم گردد، پیشه‌ای که هیچ‌کدام از استانداردهای جهانی کار و معیشت را در خود نداشته باشد غیرقابل‌دفاع و غیرانسانی می‌باشد. باید فعالین مدنی و مدافعین حقوق کارگران و کولبران گفتمانی را در پیش بگیرند که در تلاش برای زدودن این پیشه‌ی غیرانسانی باشد، تضاد و پارادوکسی حقوقی و انسانی است اگر به نام دفاع از حقوق کولبران تلاش نماییم تا کولبری سازمان دهی کرد. گفتمانی که در تلاش

برای سازمان دهی کولبری و کولبران برای حقوق کارگران و کولبران خاص خود را ایجاد می‌کند، فرهنگی که شیوه خاصی از زندگی را می‌طلبد که به جز استعمار و بهره‌کنشی و فقر و فلاکت بیشتر، خروجی‌ای ندارد، توسعه و سازمان دهی کولبری بزرگ‌ترین خیانتی است که به کولبران و فرزندان و نوه‌های آینده می‌گردد، فرهنگ کولبری نباید بیش از این گسترش یابد، هیچ منطق و عقلانیتی قبول نمی‌کند در مرزهایی که ماشین به‌راحتی رفت‌وآمد می‌کند اسباب و کالاها با کول افراد حمل گردد، مگر عقلانیتی که هیچ برنامه و هیچ راه‌حلی برای حل بحران بیکاری در این مناطق نداشته باشد. دولت و نهادهای وابسته باید از طریق توسعه و ترغیب اشتغالی انسانی و آبرومند به جنگ با بحران کولبری بروند. تلاش برای ترویج و سازمان دهی کولبری و کولبران مرزی هیچ کمکی به رفع نابرابری‌های اقتصادی و تبعیضی که در حق کولبران روا داشته شده نمی‌نماید و همچنان به تشدید و بازتولید این نابرابری‌ها من می‌زند.

تعهدات دولت در قبال بحران کولبری

در رابطه با تعهدات دولت در قبال حقوق رفاهی دیدگاه رایج و کلی این است که تعهد دولت در قبال حقوق افراد در مواردی تعهد به‌وسیله و در مواردی تعهد به نتیجه می‌باشد. تعهد به‌وسیله؛ تضمین تدریجی و مستمر حق کار است که همان قدر از دولت انتظار می‌رود که امکانات، ظرفیت‌ها و منابع وی همراهی می‌کند، تضمین تدریجی حق کار در این موارد بیشتر مشتمل بر برنامه‌های بلندمدت می‌باشد؛ اما تضمین و تعهد به نتیجه بیشتر در قالب تعهدات فوری دولت و نیازمند اقدامات جدی و کوتاه‌مدتی جهت حل بحران و تضمین حقوق کار و است، کمیته حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در رابطه با تحقق تدریجی در تفسیر عمومی خود اشاره دارد که تحقق تدریجی نباید به‌طور تفسیر گردد که در گذر زمان تعهدات دولت نادیده گرفته شود بلکه باید با شتاب و کارایی ممکن برای تضمین این حقوق گام برداشته شود، مطابق اسناد حقوق بشری به‌طور خلاصه دولت در قبال

کولبران و کاسب‌کاران مرزی متعهد به تأمین حقوق کار برای آن‌ها فارغ از هرگونه تبعیض از جهت نژاد، رنگ، جنسیت، مذهب، زبان، ملیت و قومیت … و تأمین فرصت‌های برابر در عمل می‌باشد و دو سطح از تعهد در رابطه با تضمین حقوق کار برای کولبران و کاسب‌کاران مرزی مطرح است که باید مورد حمایت قرار بگیرد:

۱. **تعهد به احترام**

۲. **تعهد به حمایت و ایفاء**

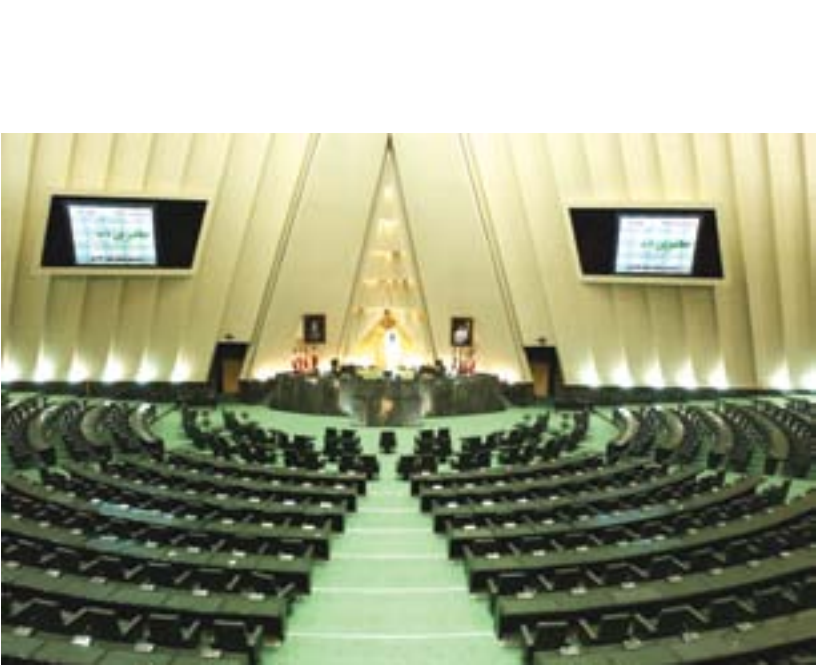
تعهد به احترام دولت به معنای عدم مداخله دولت و تأمین آزادی افراد برای انتخاب شغل و حرفه دلخواه می‌باشد، یعنی دولت باید با تسهیل شرایط به انتخاب شغل و حرفه افراد احترام بگذارد. تعهد به احترام در ذات خود به معنای پرهیز از هر اقدامی که منجر به تبعیض و رفتار نابرابر در بخش‌های عمومی و خصوصی با افراد و گروه‌های محروم و در حاشیه می‌شود یا باعث تضعیف سازوکارهای حمایت از چنین افراد و گروه‌هایی می‌گردد. این تعهد تعهدی منفی است و دولت صرف عدم مداخله تعهد به احترام را اجرا نموده است. تعهد به ایفاء متضمن تسهیل، تأمین و ترویج حقوق کار برای کولبران و ساکنان مناطق نوار مرزی می‌باشد، این تعهد دولت تعهدی گسترده در حوزه‌ی تقنینی، اداری و تخصیص بودجه و حتی حمایت قضایی و غیره می‌باشد که این سیاست باید در راستای زدودن پیشه کولبری و حمایت در سایر بخش‌های اقتصادی باشد که نیازمند انجام اقدامات ایجابی و مثبت می‌باشد. تعهد به حمایت در حق کولبران نیازمند ارائه بدلی مناسب برای پیشه کولبری می‌باشد و نیازمند گام‌هایی جدی برای اجتناب افراد از این پیشه می‌باشد که گامی ایجابی در تضمین کار و پیشه‌های آبرومند است، امری آشکار است که بیشتر کولبران در مناطق کوردنشین ایران مشغول به این پیشه‌ی می‌باشند، کمیته اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی فارغ از تعهدات کلی دولت در قبال حق کار اشاره به تعهدات حقوقی خاصی در قبال گروه‌های محروم، زنان، جوانان و اعضای اقلیت‌ها و کارگران مهاجر دارد و دولت‌های عوزاً را به لزوم مبارزه با تبعیض و فراهم نمودن دسترسی برابر افراد به کار فرامی‌خواند.

درنهایت با سپردر اسناد حقوق بشری و رویه و تفسیر این اسناد امری بدیهی است که کولبری پیشه‌ای غیرانسانی، طاقت‌فرسا و خالی از معیارهای جهانی کار می‌باشد و افراد و قربانیان این پیشه در نهایت بیکاری، ناامیدی از اشتغالی ایمن و آبرومند روی به آن آورده‌اند و با توجه به شاخص‌ها و معیارهای کار آبرومندانه که در اسناد مورد اشاره قرار گرفته است، این پیشه در ذات خود یک بحران است که نیازمند راه‌کاری جدی و فوری می‌باشد و اساساً دفاع از این پیشه و تلاش‌های صورت گرفته برای سازمان دهی و سمت‌وسو دادن آن کاری غیرمستولانه و نادرست است و هر تلاشی در این زمینه مساوی با ترویج فرهنگ فقر و فلاکت است که با هیچ معیاری انسانی و حقوق بشری همخوانی و سازگاری ندارد، حل این بحران نیازمند حذف تدریجی کولبری و اتخاذ تصمیمات جدی برای تأمین امنیت انسانی به‌طورکلی و امنیت اقتصادی به‌طور خاص در نوار مرزی و مناطق کوردنشین می‌باشد.

در ثانی در مورد تأیید صلاحت دور بعدی‌شان ریسک نخواهند کرد. قضیه به همین جا ختم نمی‌شود نمایندگان مجلس باقدرت سازمانی خودشان مانع اعتلای افراد شایسته کورد در پست‌های اجرایی خواهند شد چون چنین افرادی را تهدیدی جدی برای انتخاب دور بعدی خود می‌دانند و فقط اعتلای معدود افراد دورپوری خود که مورد وثوقان هستند و جایگاهشان را تهدید نمی‌کنند را در دستور کار خود قرار می‌دهند جالب است در این زمینه رقابت هم می‌کنند برای مثال اگر نماینده قبلی از ده نفر از تیم خود برای کسب کسوت مدیریت حمایت کرده باشد، بعدی تلاش می‌کند رکوردش را بشکند. آن افراد بر مبنای کسب پایگاه آرا جدید در دور بعد حمایت خواهند کرد نه شایسته‌سالاری و ایجاد تغییر از قاعده جامعه به راس. به‌نوعی حمایت‌شدگان را مدیون و وام‌دار خود می‌کنند که از منویات آن‌ها خارج نشود و هر نوع کار مثبتش به حساب نماینده واریز شود. ابدا در دستگاه‌های اجرایی به افراد غیر هم‌فکر خود اجازه رشد نمی‌دهند. نمایندگان مجلس کردستان در تأیید افراد برای پست‌های مدیریت تا جایی پیشرفته‌اند که این تأییدیه و رد کردن‌ها را برتر از وظیفه قانون‌گذاری خودفرض می‌کنند.

گواه این مدعا نبود حتی یک قانون است که نمایندگان کردستان پایه‌گذار طرح آن بوده باشند که سبب رفاه و توسعه کردستان و ایران باشد یا تغییر نگرش مسئولین را سبب شده باشد. تغییر نگرش مسئولین با آوردن وزیر یا معاون وزیر برای یک ساعت

نقش نمایندگان مجلس در تغییر نگرش مقامات به کوردستان



بر اساس ساختار حقوق اساسی فقط و فقط کسانی را تأیید می‌کنند تا مردم انتخاب کنند که هم‌فکر خودشان باشند نه هم‌فکر عامه مردم درواقع اگر ملاک توانایی و شایستگی واقعی افراد باشد و افراد شایسته تأیید صلاحیت می‌دهند. این اصل را تمام و کمال اجرا کرده‌اند ولی در عمل شاهد اتفاقات مخالف این اصل هستیم به‌هیچ‌عنوان قصد ندارم که مسئولین مرکزی دولت ایران را میرا کنم چون مشکل اصلی اجرا نشدن این اصل به‌طور کامل نگرش آن‌هاست. مهم‌ترین ایراد هم ایرادی است که بر سازوکار تأیید نامزدهای نامزدی مجلس وارد است که در این نوشته جای تشریح آن نیست البته بارها این موضوع توسط اهل خیره تشریح شده است. افراد تأیید کننده

به استان کوردستان حل نخواهد شد. همچنین ترتیب دیدار نزدیکان با مسئولین رده‌بالای نظام نمی‌تواند نگرش نامناسب مسئولین به کوردستان را تغییر بدهد اگر این‌گونه بود در حال حاضر اکثریت مدیران کل، فرمانداران کوردستان غیربومی نبودند. اگرچه در ظاهر اوضاع زیاد تغییر کرده اما این‌گونه نیست و نگرش مرکز به ملت کورد سنی چه‌بسا بدتر نیز شده است و تا جایی پیش رفت است که مولوی عبدالحمید به رهبری نامه نوشتند. تقصیر تنها از مسئولین مرکزی نیست بلکه نمایندگان مجلس فعلی و سابق هم در این زمینه مقصرند. چیزی که نگران‌کننده است نمایندگان فعلی نوعی جدید نگرش منفی خاصی را در مدیران کلان کشور به وجود آورده‌اند که بسیار خطرناک است این نوع نگرش منفی که نمایندگان مجلس بانی آن هستند نبود افراد توانا در میان ملت کورد که توانایی مدیریت پست‌های کلان کشور را داشته باشد همچنین ایجاد شکاف و اختلاف میان طیف تحصیل‌کرده و روشنفکر برای ایجاد بی‌اعتمادی دولت نسبت به روشنفکران کورد و فراهم نمودن زمینه محول نمودن پست‌های مدیریت استان به افراد غیربومی تا میادا فردی بومی در پست مدیریت توانش خودفرض می‌کند و تهدیدی برای نمایندگان باشد. لازم به ذکر است اگر مسئولین بالادستی کشور به تجربه مدیریتی کوردها ایراد وارد کنند مقصر نمایندگان مجلس هستند که از مدیریتی مبانی و جزئی کوردها حمایت نمی‌کنند در برای برعهده‌گرفته سمت‌های کلان تجربه کسب کنند و مراتب ترقی را طی کنند.



■ شنبه ۱۵ مەر ۱۳۹۶ ■ سال دوم ■ شماره ۲۴ ■

■ شماره ۲۴ ■ سال دوم ■ شنبه ۱۵ مەر ۱۳۹۶ ■

■ شماره ۲۴ ■ سال دوم ■ شنبه ۱۵ مەر ۱۳۹۶ ■

■ شماره ۲۴ ■ سال دوم ■ شنبه ۱۵ مەر ۱۳۹۶ ■

■ شماره ۲۴ ■ سال دوم ■ شنبه ۱۵ مەر ۱۳۹۶ ■

■ شماره ۲۴ ■ سال دوم ■ شنبه ۱۵ مەر ۱۳۹۶ ■

■ شماره ۲۴ ■ سال دوم ■ شنبه ۱۵ مەر ۱۳۹۶ ■

ئەم وتووێژە لە پەراوێزى داوودەھەمین فستیوالى نىيۆتەتەوەيى شانۆى سەرشەقام لە مەريواندا، لە لاىەن رۆژنامەوانى مانگانەمى «چيا، ئارام فەتحيەووە لە گەل شانۆكارى ناودار و ھەرەھا يەك لە داوەرانى ئەم فستیوالە دوكتور قوتبەدينى سادقيدا ساز كراو:

پ ـ ئە گەر بكړئ سەرە تا پێناسە يەك لە شانۆى سەرشەقامان بۆ باس بكەن، كە شانۆى سەرشەقام ئەساسەن رۆلى چيىە و لە چ جوار چۆتەو بە كدا ئە گونجئ؟

بەرلە شەرى يە كەمى جيهانى بوو و لە نتيوان دوو شەره كەدا، لە لاىەن گرووپە سياسىيە نىيارە كانەو، گەرەكيان بوو ئەو شىتەى كە دەزگاكەل تەلبليقاتى حكومەتگەل، تەبەقەى حاكمە وە كوو حەقيقەتئ ئينكارى ئەكەن، ئەوانە بخەنە بەرچاو؛ شانۆيەكە (تايبەت) لە تەرەف گرووپگەل شانۆييەووە نەبوو.

شانۆيەك كورت و كوتـا لە ماوەى دە خولە كدا و بەيئ چيجازەى پۆلىس ئەهانت مەزرووعيكى گەرە وە كوو جەنگ، نەوت، بيكارى و بوحرانگەل جۆرەجۆريان ئەكرد دەسمايەى خۆيان و ئەهانت لە سەحنەگەليكى كورت و كوتـا و بەلەحتيكى خيتايبييەو و فرەگروتسك و كوميكەوە ئيجريان ئەكرد و بەرلەو و پۆلىس بگەيەتە ئەو شووتنە، ئەوان دەرئەچوون. يانئ لەواقيعدا ئەوان گەرەكيان بوو لە رنځەى ئەم شانۆووە پرتۆكئ بەدن لەخەلك و ئەو خەبر و حەقيقەتگەلە و ئاينكار كراو و خەلك تاگادار نين، ئەوانە بخەنە بەرچاو.

ئەمە سەرەتاي شانۆى سەرشەقامە كە وردە وردە لە ئەواو ئوروپا بئآو بوووە؛ لە فەرانسە، لە رووسىە، لە لهستان و لە ئآلمان گرووپگەلى چيپش بوون كە ئەم كارپانە ئەكرد دژ بە سەرمايە دارى، بەلام ئيستا وردە وردە بەربئآو بووئەو، ئيتـر بەتەريفگەليكى تر ئەم كارە ئەكەن. ئيسە لە برئ لە شارە كانا فستیقالى شانۆى سەرشەقامى شەھروەندى ھەس. سەرچەم ئەو شتگەل وەك ماف يان وە كوو ئەرك و وەزيفەى شەھروەند كە لەو جۆرە شانۆبەدا شارۆمەندەكە سەپارت بەو شىتانە تاگادارى بەدەست ديتئت؛ يانى ھونەرپكە كاربوڤدى.

پ ـ ئيستە بەم پېناسە يە كە لە شانۆى سەرشەقام ھەيە، ئايا بەم جۆرەى ئەم فستیوالەى لە مەريوان لەم چەند سالەدا بەرئيوە ئەچئ: كە بە گرتنى مۆلەت و ئەوەى كە كارەك ئ بئيردرئت بۆ لا يەك و بەسەند بكرئ و ئەوجار بئتە ناو فستیوال، ئايا ئەمە

لە پێناسەى شانۆى سەر شەقامدا ئە گونجيت؟

و ـ لە سەرەتادا شانۆى سەرشەقام چتئ بوو، ئيسە ئەوەيشە لە ئەوروپا نەماو، سەد سال درئەزى ميژووبى ھەس، لە ئيرانا سى سالە ناسيگيانە، ئيسە كاربوردگەل تىرى ھەس. ئەو كە عەرمز كردى يەكئ لە گەرەترين كاربوردگەلى ئەوەسە فرەيەك لە كيشەكان تر كە رۆژنامە و تەلەفزيونەكان تەلآي، نەخوشينگەل گەرە وەك ئەبذ و تەنيايى، ئەمانە بابەنگەليكى گەرەن و فرە كەس باسيان ناكات، فرەيەك لە رۆژنامەكان و راديو تەلەفزيونەكان باسى ناكەن؛ ئەم جۆرە بابەتانه زۆر زۆرن.

من خۆم شانۆيەكم كار كرد سەپارت بە مافئ رنځەل، بئوژنځەل و پيرەنځەلئ كە وا ئەبئ دەولەت بروا بە هانايانەو، بيمەيان بكات و نايسكات؛ ئەمە مافيكى گەرەوى مەدەنييە، ئەشئ باسى بكریەت؛ فازانجئ تريشى ھەس كە فرە گرنگە ئەوەسە كە بەكئ لە تايبەتمەندييەكانى شارستانیيەت فەرھەنگ و ھونەر لە ناو شارا. ئەگەر فەرھەنگ و ھونەر نەبئ، شار جينگەيەك ئەبئ بۆ ژيانى غەربزئ؛ ئەخۆن و ئەخەون و خۆيان خالى ئەكەنەو و شەويش منال دروو س ئەكەن و جياوازيبەكى نايبت لەگەل ديھاتا.

ئەوہى كە تايبەتمەنديى شارە، فەرھەنگ و ھونەرە. مەگەر ئەبئ شارئ فەرھەنگ و ھونەرى نەبئت. يەكئ لەو ھەنگاوە گەرورانە ئەتوانين ھەلى بگريـن بۆ ئەوہى گەشە بدەين بە فەرھەنگ و ھونەر لە ولاتە كەمانا، ھەر ئەم شانۆى سەرشەقامەيە. خەلك ھيشتا فيـر نەبوون بليت بكرن و برۆن بۆ تماشای شانۆ، ھيشتا فيـر نەبوون كتيب بسينن، فيرنەبوون برۆنە پيشانگای نەقاشى، فەرھەنگ شار يانئ ئەمە. ئيسە كە خەلك ناين بۆ شانۆ، شانۆ بروا بۆ لاى ئەوان و فەرھەنگى شانۆ و ناوہرۆنگەليـك كە زۆر بويستە بۆ تاگاداريان، بۆ ژيانيان، ئەوانە بخەنە بەرچاو و بتوانن خەلكە كە تاگادار بكەنەو و ھەرەھا چئزى ديتتى شانۆيشيان پئ ببەخشن، ئەمە كاركرديكى كەم نييە.

پ ـ ئيسە جيا لەم شىتانەى باستان كىر ئە گەر بيئتە سەر فستیوالى ئيوەتەوەيى شانۆى سەرشەقامى مەريوان، ئايا ئەم فستیوالە تا ئيستا ھيچ دەسكەوتنيك وە كوو بەرھەم ھيئانى شانۆكار و دەرھينەر و شتيكى لەم شتيوہەيى بوو لەم چەند سالەدا كە كارى كردوو؟

و ـ فرە باش بووگە، كاربگەرىى



باسى ژينگە كە ئيمرۆ لە كوردستانى ئيرانا بەشتيكى گر ينگە و بەرچاو، وە كوو بەكيتك لەو بابەتانه؟

گرنگى بوو لەسەر مەريوان، لەسەر جەماوەرەكەى، ھەر لە منال ھەتا پير، بە ئەشق و تاسەوە دئين و دائەنيشن، فيـر بووگن تماشای شانۆ بکەن، فيـر بووگن لە ژيانى غەربزى جيابنەووە و برۆنە ناو خەيالات و ببيركردنەو لە دنيايەك كە ئەتوانئ باشتر لە دنياى ئيسە بيت وا تيايا گيريان كردوو. وە ئيستا مەريوان شانۆكار، ئەكتەر و نووسەرى باشى ھەس و دلنيام ئەم فستیوالە كاربگەرى بوو. ئەگەريش كاربگەرى نەبئت، ببورە ئيتـر خەتاي شانۆكە نييە خەتاي خەلكە كەس. خەتاي ھونەرمنەندەكانە؛ حەز ناكەن فيـر بن، حەز ناكەن چەنە پيشەو، بەلام دلنيابە كاربگەرى زۆرە!

پ ـ ئيوە خۆتان وە كوو شانۆكارىكى بەئەزموون، چ پەيوەندييەك لە نيوان ئەو بەشە ھونەر ييانە ئيستن، ئيسە كە چەن روانگەى جياواز ھەبە وە كوو ھونەر بۆ ھونەر ي ھونەرى موتەعەھيد يا ھەر شتيكى تر لەم بەشاشانە، ئايا لەم نيوانەدا پەيوەندييەكى ئەوتۆ لە ناو شانۆى سەرشەقامەكان بابەتە كە كارى كردوو؟

و ـ فرە باش بووگە، كاربگەرىى كۆمەلايەتپەكاندا ھەيە، بەتايبەت نيۆتەتەويى شانۆى سەرشەقامى

ئەمسآلدا لە مەريوان شانۆيەكمان بينى سەپارت بە ئاويى ئەسراوا ببو كە بە ھۆى ئەشخآلەكانى شارى مەريوانەووە بەگشتى تيا چوو، ھونەرمنەندى مەريوانئ تاگادار بوو كە ئەشئ باسى ئەمە بكات ناو شانۆكەيا، ئەمە بابەتيكى كەم نييە.

پ ـ ئايا ئەو شانۆيەيكە باستان كرد لەسەر ئەسراوا بوو لە حەوزەى فستیوالى نيۆتەتەويىى شانۆى سەرشەقامدا ئە گونجئ؟

و ـ بۆچى ناگونجئ، ھەرکەس ھەرچپيەكى ھاوردووہ لە ولاتى خۆيەو و ھاوردوييە، لە ئۆكرابنەووە چيرۆكيكى چيتخوفيان كردووہ بە شانۆ و ھاوردوويانە، باسى ئيمەيش ئەوەسە، بۆچئ ناگونجئ؟ ئەشئ بگونجئ! ئەسلەن ئەم جۆرە فستیوالانە ھەر بۆ ئەوەسە، بۆ رابواردنى رۆشينبيرانە و شە رۆشينبيرانە، باسگەلى تيؤوريـك نييە، راستەوخۆ ئەركيتكە ھا بەسەر شانۆوہ ئەبئ يارمەتى خەلك بدات، يارمەتى ژيانى خەلك بدات. ئەگەر لەگەى پرگەيە لابدەين و رنژرەيەك بچينە ئەولاوہ بەخەسارمان داوہ. ئەگەر بتوانين ئەم ئەركە جئبەجئ بکەين، ئەبئ لەجينگەيا كاسى ژينگە، موعتاد و بيـنكارى بکەين؛ ئەمانە كيشەگەليکە ئەبئ چارەسەريان بکەين، ئەركمان ھەر ئەمەيە.

پ ـ بە پيئى ئەوہى كە ئيوە خۆتان چەن خولتيك داوہرى ئەم فستیوالە ببوون، بە راي ئيوە فستیوالەكە بە چ ناقلرئ كدا رۆشتووہ؟ باشتر بووہ يا چۆنى لئھاتووہ؟

و ـ فستیوالەكە جئبەكتووہ، گرنگترين شت ئەوہبە بەقەولى فارسەكان نەھادينە بووگە، جينگەى خۆى گرتووہ ھەم لاى خەلكەوہ، ھەم لاى بەرپرەكانەو و ھەم لاى ھونەرمنەدانى ولاتانى ترەو؛ ئەمە زۆر گرنگە، لەحالەتئ ريكەوت دەرچووہ بووگە بە جەرەيان، كەس ناتوانئ بەرى پئبگريـ .بووجە، تەشكيلات، بەرپرس و پسپوزى ھەيە، ئەمە وەك نەھادىكى فەرھەنگى بۆ كۆمەلگەى كوردەوارى وەك ئەمە ئيسژنە.

ئيمە ئەبئ وردە وردە فيـر زمانى فەرھەنگى بين بۆ ئەوہى خەلك تيبتگات ئيمە بيروباوہرمان چيپە، ئيمەيش تيبتگەين بيروباوہرى خەلك چيپە، تا پەيوەندى ئەگرين ناتوانين كيشەكمان چارەسەر كەين، لە گۆشەگيرى لە سووچيكا بۆ خۆت راوەستى و دەست بگرى بە كلاوہ كەتەوہ، ھيچ كەس نازانئ دەر و گير وگرفتت چيپە، ئەمە ميديوەى فەرھەنگى و زمانى فەرھەنگييە، زمانىكى جيهانيپا، تا ئەتوانين ئەشئ گەشەى

● ● ●

جارچارە » ساز دەھەنى »ەكەى لە نۆی لەپى ھەردوو دەستی دەگرت و سۆزى دلى دە کردە نەوايەكى حەزین و بە کوول ھەلى دەرپشت.

ھەر چۆنیک دەبئ بە کولە مرگی و بارى قورسى ژيان و دەستکورتى ، ھەر لە مندالەيە ئاکۆى راپئچى بازارى کار کرد و چەندین سال شاگردى » خورما فرۆش » و کۆلپەر فرۆشى کانی دینار و کرێکارى بinasازى کرد.

رۆژانى سەخت و پڕ چەرمەسەرى وەك ھەرەس رزايە ناو ژيانى ئاکۆ و دايكى و بە ھەموو چۆرێک بەر چەپۆكى بئ بەزەيبانە رۆژگارکەوتن.

بەلام ئاکۆ ھەرگيز نەدۆزا و بەچۆرکەندەھات ھەموو چۆرێک بەرەورووى سەختى ژيان دەھاتەو و لەگەل تپپەرپوونى تەمەنى بالای حەز و ئاواتەکانى ھەلدەکشا و گەشەى دە کرد و ئۆمیدی بە داھانوو قايتر دەبوو.

گەلابەى توتبا چادرکيشراوہ کە بووہ گەرەترين » زانکۆ » ي ئاکۆ و برياريدا قوناغەکانى خويندن بېریت و توانى لەناسستېکى بەرزدا بڕوانامەى » ليسانس » بگريت و دلى دايکى شاد بکات. ئاکۆى خورما فرۆش وەك سيمبولێک لە وەفادارى و خۆراگرى لە نۆو دوست و ئاشنا و جى متمەناى خاوەن کارەكەىناسرابوو.

زۆرجار مامۆستای زانکۆ وەك نمونەى لئھاتوووی و بەرپرسیارەتى بەرامبەر بە ژيانى خبزئانى لەنۆو قوتابيان ناوى دەبرد و نمرەى بەرز و تيببينەکانى مايەى داخۆشى مامۆستاكان بوو.

خۆشەويستى بوو بە ميوانى دلە رۆژرەيشى کالايەك و بۆ ھەميشە براوہ بە بالاماندا. دلئى ئاکۆ پرە لە حەز و ئاواتى کپکراوى بەدى نەھاتوو، ھەركات دەکەوتنە يادى



فرهنگى(فرههنگى)

پيڤيدەين، تا ئەتوانين بەرבלاوى بکەينەو، ئەبينى ھەشت نۆ ولات ھاتوون، ھەرئەمانە چواردانە گوزارش بدن بۆ ئيمە بەسە . مەريوان چووگە بان تلکس خەبەرى.

پ – وەك دوپر سىپار، بە گشتى ئەم فستیوالە(فستیوالى نيۆتەتەويىى شانۆى سەرشەقامى مەريوان) چۆن ئەبينن؟

و ـ شانۆى سەرشەقامى مەريوان گەيبووتە ئاستيک کە زۆر ئاپرۆمەندە! چونکە جينگى خۆى لە ناو پيکھاتە و چوارچيۆهى فەرھەنگى و ھونەرىى کوردستان و ئيراندا دۆزيووتەو و ھەم پەيوەنديى جۆرەجۆرى فەرھەنگى لە ئاستى جيهانيدا خولقاندوو، ئەمە گەيبووتە ئاستيک کە ئيتـر بۆ گشتى سەلميندراوہ و بووگە بە شتيكى سرۆشتئ، ئەمە ھەنگاوى يەكەم؛ ھەنگاوى دووھەم ئەوہبە كە بەشدار بووينە لە بينىنى شانۆى ولاتانى تر، ئەمە ھەنگاويكى مەزنىە ئيمە بتوانين پەيوەندى بگرين لە گەل ولاتانى تردا و ئەوان بين و بەشدار بن .دنياى ئيمرۆ دنياى پەيوەندييە، دنياى زمانى فەرھەنگى و ھونەرييە، شتيكى تروش ھەيە ئەويش ئەوہبە كە ئەندەئە لەم سالانەدا كار كراو. وردە وردە ئەو فەرھەنگە ئەو جوانناسيیە و ئەو تايبەتمەنديگەلەى شانۆى سەرشەقامە كە چووگەسە ناو مينشك، ھەست و بيروباوہرى ھونەرمنەندەکانى ئيران، دلنيا بە ئەمە كاربگەرى زۆرى ئەبئت لەسەر شانۆى سەرشەقامى کوردستان و ھەر ھەمووجۆرەکانى ترى شانۆيش لە کوردستان بەتايبەتئى.

سرۆشتيپە لە ھەر فستیوالئیکدا کارى دەرەجەى يەك و دوو و سئى بيئت، بە راي من ئەمانە گرنگ نييە، گرنگ ئەوہبە يە کتر ببينين و لە ھونەرى يە کتر تاگادار بيسن و بگەينە ئەو فەناعەت و بيروباوہرە كە وتووئژ بکەين لەگەل غەبرى کوردا، غەبرى ئيرانيدا و لەگەل ھەموو دنيادا، ئەمە ئەبئ ببينتە روانگەيەكى فەرھەنگى بەراى من شانۆى سەرشەقامى مەريوان يەكئ لەو كارە فەرھەنگييە باشانەيەكە مايەى سەرەرزى و ناودارىى مەريوانە ميوانەكان لە رنځەى ئەم فستیوالەو توابوويانە سرۆشتى مەريوان، زرتيسار و ھەورامان و بەشتيكى زۆرى ئەم ناوچانە ببينن .ئەم بەشداريکردنە قازانجى ماديشى ھەيە، ھوتپتەکان پڕ بوون(کەسى زۆر ھاتوون)، ئەمە يارمەتى گەرەيەكە بۆ بارى ئابورى لە مەريوان ئەمانە قازانجى فەرھەنگيى دنياى نوتى ئيمرۆيە كە ئەتوانين بيژنن لە مەريواندا لەم کاتا شانۆى سەرشەقام نوتنەرايەتى ئەکات.

● ● ●

چلۆن لەبەر دەسکورتى کرئ خانووئى چەند مانگيان بەسەرپە کدا دە کەوت و ئەستيرەيە کيان بەئاسمانەوہ شک نەدەبرد ، برياريدا ئەنانت ئەمى خواردنى کەم کاتەو.رۆژانە کرێکارى دە کرد و شەوان دەبووہ حەرەسى کومپانیاکان. ئەگەرچى لەشوونئى کار وەك کەسيكى خوتپندەوار و خاوەن کەسايەتى مامەلەى لەگەل دەکار بەلام ھەندئ جار خاوەن کارەکان غەدران لئ دە کرد و بە بيانوى تەواو بوونى ئيقئامە و بەلگەى مانەوہى لە سليمانى نيوہى پارە کەيان لئ دەخوارد. ھەمسو رۆژ بەرەبەيان پيش کرێکاران لە خەو ھەلدەستا و بۆ ئەوہى پارەى کرئ تاکسى بۆ بگەرئتەو ھەمپەر تا ئەوپەرى سليمانى بېيئ دەبەرى. شەوان کاتى نووستن لەسەر گازى پشت دە کەوت و ئەسيى خەپال ھەلى دە گرت ، بەنيو ئەستيرەکاندا يپاسەى دە کرد و روومەتى مئيرەبانى دايکى لە تيو تريفەى مانگدا دەھاتە پيش چاو. دايکى دە کردە شازئى ئاسمانەکان و ئەستيرەکانى دە کردە ملوانکەى زيوين و لەگەردنى دە کرد.

ئيستا ئاکۆ بەنيازى برينى قوناغى خوتندنى بالا و » فەوق ليسانس » ي دەروون ناسيە و ھەمسو ھەوليک ئەدا بۆئەوہى فەرەبووى رۆژانى پڕ ميحەنتى خۆيان بکاتەوہ و داھانووبەكى رپوون دەستەبەر بکات.

کوردە گوتهنى دەستى ماندوو لەسەر سکی تيرە ، ئيسستا ئاکۆ بەرى رەنجى چەندین سالەى کۆکردۆتەو و لە قەراخ شار خانووہىكى بچکۆلانە دە کاتەو و لەگەل ھەموو خشتيک حەز و ئاواى چەندين سالەى بينا دەنيبت و لەگەل دايکى ژيانىكى نوئ دەس پئ دە کات.

خورما فرۆش…

ئەم خورما کیلوی پێنج ھەزار و ئەو نەوەشیان حەوت ھەزار تەمەنە.

کابرای مشتەری جارتیکی تر لەژێر چەترە کەپەو سەرنجی ئاکۆ ئەدا و ئەلئ:

-بۆ ئەونە گران کاکە؟...

-وہا چیت عەرزکەم، کوا گرانه؟!...!

خورماکەى دەنک رەشە ، بەدلئان نەبوو بى ھیتنەو.

کابرا پارەى خورماکە ئەدا بە ئاکۆ و خواھفیزئ ئەکا.

ئاکۆ تۆزئ خۆى دەخا بە پشتا و ملی بەملاولادا بانەدا و تەزى لەشى دەرنەکا

، لەنۆو پرووشکەى بەفەرەو بەخەسرەتەو دەروائیتە بالەخانەکەى ئەوپەرچادە و لەبەر

خۆو زەردەخەنەيەكى تال ئەيگرئ...

ھەلمى دەمى ئەکا بە شووشەى چاويلکە کەيدا و بە سووچينكى چاکەتەکەى دەبسرئتەو و لە چاوى دەکا.

ديسان لە پشت توتبا چادر کيشراوہ کەدا بە جيچگانەو کتیب و قەلەمکەى ھەلدەگرئ

و نوقمى بابەتەکانى سەر لاپەرەکان دەبیت. ھەمسو ئتيواران کاتئ دنيا بەرەو تاريكى دەروژژئتئى ، ئيشتيھاي خواردنى قايپک شۆرباي گەرم لە گەل پيالەيەك چای تازە دەم لەم توف و کرپوہدا بە ھەموو گياندا دەگەرى.

-مەرحبایا کاکە ، ئەرئ ماوى؟!...

-خۆ ناشوکرى نەبئت تەف ھەلخەى ئەبەسيت.

-خورما کیلوی بەچەنە؟...

ئاکۆخەيالاتى پئ دەچرئ و لەژێر چاويلکە زەرەبينيەکەپەو دەروائیتە کابرای مشتەرى

و بزەيەکى سارد و بسى رۆح ديتتە سەر ليوەکانى و ھەلمى دەمى دەکا بەوان لەپى ھەردوو دەستیدا.

-سەر چاوە کانم کاکە گيان . بەخێر بئى ، ئەمەر فەرموو.

ئاکۆ ھيشتا ميترمندالئیکى تازەپيگەشتبوو



نگرس رفیعی کارشناس مطالعات زنان

سازمان بهداشت جهانی در سال ۱۹۸۰، یک دسته‌بندی بین‌المللی از اختلالات، معلولیت و ازکارافتادگی معرفی کرد. سازمان ملل متحد در اروپا و آمریکا از سال ۱۹۸۲ تا ۱۹۹۱، در آسیا و اقیانوسیه سال‌های ۱۹۹۳ تا ۲۰۰۲ و در آفریقا سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۰ را دهه معلولین اعلام کرد. هدف اصلی برای اجرا که توسط همه‌ی کشورهای سازمان ملل موردپذیرش قرار گرفت، تلاش برای برابری حقوق معلولان با افراد دیگر جامعه بود. کشورها از نظر قانونی و سیاسی ملزم به اجرا نشدند، اما یک توافق و استاندارد بین‌المللی ضد تبعیض شکل گرفت. اگر معلول نتواند شغلی اختیار کند و درآمدی داشته باشد، بار مالی روی دوش دیگران است. در کشور زیمبابوه، تنها یک درصد از افراد معلول در اقتصاد مشارکت فعال دارند (لی، ۱۹۹۹).

دیارتیمان توسعه بین‌المللی انگلستان مشخص کرد که معلولیت یکی از دلایل عمده محرومیت اجتماعی و دلیل وجود و تداوم فقر است (DFID, ۲۰۰۰).

مطالعات بانک جهانی نشان داده است که نیمی از یک میلیارد معلول، بدون شک فقیرترین هستند (متز، ۲۰۰۰) و تخمین زده می‌شود که ۱۵ تا ۲۰٪ این فقرا ساکن کشورهای درحال توسعه هستند (الوان ۱۹۹۹).

پژوهش‌ها در اوگاندا نشان داده است که معلولان مبتلا به صرع و دارای مشکلات یادگیری، از نظر دور بودن از اجتماع و مشکلات مالی در درجه اول قرار دارند. کودکان مبتلا حتی در خانواده‌های ثروتمند به مدرسه فرستاده نمی‌شوند، مشکلات آنان با متخصص مطرح نمی‌شود و حمایت‌های موردنیاز را دریافت نمی‌کنند. این امر وابستگی مالی ایشان را برای همیشه به دنبال دارد. این مسئله در ایران نیز به‌وفور دیده می‌شود و چنانچه این کودکان سرپرست و اندوخته مالی، آن‌هم به میزان هنگفت نداشته باشند، آینده خود را بدون شک در فقر سیری خواهند کرد.

نیروهای باری‌رسان به دولت برای گنجاندن معلولان در جایگاه‌های روزمره، گوناگون و کاربردی اجتماع؛

۱. سازمان‌های مردم‌نهاد دولت‌ها می‌بایست از گنجایش سازمان‌های مردم‌نهاد در برنامه‌ریزی

آسیب‌شناسی ارتباط معلولیت و فقر مزمن در کشورهای درحال توسعه (پاره دوم/ یاری‌گری اجتماعی)



توان خواه با آن درگیر هستند. برنامه‌ریزی برای پیگیری و رسیدگی به اموری‌این افراد پس از بازگشت از مرکز درمانی، ارجاع و سیاست‌گذاری (قانون‌گذاری یا بهره‌برداری و پیاده‌سازی دقیق قوانین موجود) با مشارکت بخش‌های دولتی را می‌طلبد.

۳. بینگاه‌های کاریابی آمار توان‌خواهانی که از پایین‌ترین سطح در سیستم سیاسی تا سطح پارلمان هندوستان مشغول به کار هستند، بیش از ۴۷۰۰۰ نفر است. این کشور همچنین وزارتخانه توان‌خواهان دارد. صنف ملی توان‌خواهان در آموزش توان‌خواهانی که بیست‌های سیاسی را اشغال کرده‌اند، برای رساندن آن‌ها به حد مطلوب سرمایه‌گذاری کرده است. این مثال از یک کشور آسیایی است که با جمعیت ۱/۲ میلیارد نفرو علی‌رغم وجود فقر شدید بخشی از جامعه، در ردیف چهارمین اقتصاد بزرگ جهان قرار دارد. این کشور باوجود رکود اقتصادی جهانی رشد اقتصادی متوسط بالای هشت درصد دارد که با کشور همسایه‌اش چین تقریباً برابری می‌کند. شکافتن دلایل این پیشرفت و بالندگی اقتصادی، خود مجال مفصلی

نوعی از تبعیض را داشته‌اند، همه آن‌ها دچار فقر مزمن نیستند. فقر تنها کمبود درآمد و منبع مالی نیست بلکه محدودیت و قدرت نداشتن در اجتماع را شامل می‌شود. سیمون مکی ول می‌گوید افراد به دلیل دور ماندن از سازمان‌هایی که کاربرد موقعیتی رسیدگی به مسائل جنسیتی و نژادی دارند، فقیر می‌شوند. محرومیت منجر به دست‌رسی نداشتن به منابع، کاهش انتظارات، بهداشت و سلامت نامناسب و تحصیلات ضعیف می‌شود. به همین دلیل ما به بررسی معلولان دچار فقر مزمن که دلیل آن کم بودن درآمد است، به همان اندازه کسانی که محرومیت اجتماعی دارند می‌پردازیم. فرد معلول از همان آغاز تولد یا از زمانی که دچار معلولیت می‌شود، دچار تبعیض است. لزوم رسیدگی و داشتن یاریگر همیشگی، در بسیاری موارد مانعی برای تشکیل خانواده در آینده است. زمانی که کودک معلول مریض می‌شود، بسیار محتمل است برای درمان وی کاری انجام نشود و به امان خدا رها شود. ممکن است با این فرض که آن‌ها با محیط مدرسه و هم‌مدرسه‌ای‌ها کنار نمی‌آیند یا اینکه آگاه شدن جامعه از معلولیت فرزند، احتمال ازدواج سایر فرزندان را کم‌رنگ می‌کند یا اینکه ارزش سرمایه‌گذاری و خرج پول را ندارند چراکه به‌جایی نمی‌رسند، از مدرسه محروم می‌شوند. ائتلاف بین‌المللی معلولیت و توسعه تخمین می‌زند ۹۸٪ کودکان معلول در کشورهای درحال توسعه از داشتن تحصیلات رسمی و پیگیر محروم‌اند (IDDC, ۱۹۹۹). آن‌هایی هم که بهره‌مند از تحصیلات‌اند معمولاً از آموزش درجه‌دو با سطح انتظارات پایین از خودشان و انتظار پایین خانواده روبرو هستند و نمی‌توانند به مساوات در این مورد مشارکت کنند. در خانواده معمولاً از فرد معلول درخواست‌های کم و دست‌پاینی دارند. آموزش اجتماعی آنان کمتر از خواهر برادرهای آن‌ها است، بنابراین از ابتدا آن‌ها از ارتباطات روزانه و معمول که به‌آسانی در اختیار افراد سالم قرار دارد، به دور هستند. در کشورهای درحال توسعه فقیر، ضعف جسمانی ممکن است کودکان را اجباراً با از روی بی‌توجهی و سهل‌انگاری به سمت خیابان و اختلالات متعاقب آن مانند گدایی بکشاند. چراکه باوجود خیابانی بودن، آن‌ها برای کار کردن و درآمد داشتن، توانایی هم‌ترازی با کودکان سالم خیابانی ندارند.

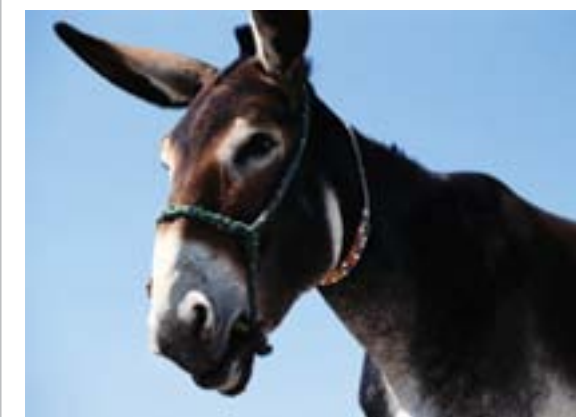
به‌صورت رایگان تحصیلات ابتدایی خود را بگذرانند. فرزند معلول جسمی یا حسی نیز می‌بایست در مدرسه عادی (نه استثنائی) درس بخواند با این ویژگی که معلمان آموزش ویژه دیده‌اند که در چند کلاس اضافی کودک معلول را آموزش مضاعف بدهند. این امر می‌تواند تشویقی برای والدین باشد که کودک معلول خود را پنهان نکنند و وی را از آموزش و سایر حقوقش دور نکنند.

۵. مراکز آموزش عالی دولت هندوستان دانشگاه‌ها و مراکز حرفه‌آموزی را تشویق می‌کند که معلولان را با شرایط آسان‌تری نسبت به سایرین پذیرش کنند. کمک‌های فیزیکی و مشاوره‌ای رایگان در این مراکز برای معلولان برای کمک به تحصیل دانش و مهارت در ایشان ممکن است در نگاه اول کوتاه‌مدت به نظر برسد؛ اما هدف اصلی تشویق همه‌ی افراد جامعه برای دیدن و به‌حساب آوردن توانایی‌های گوناگون معلولان و بالا بردن آگاهی عمومی نسبت به ارزش ورود معلولان درصحنه‌های اجتماع است.

هیئت اجرایی معلولیت و توسعه اخیراً کارگاهی با حضور نمایندگان بنگاه‌های کاریابی، سازمان‌های مردم‌نهاد و سازمان‌های معلولان ترتیب داد. این فرصتی برای معلولان فراهم کرد تا درباره تجربیات گذشته خود صحبت کنند. این فرصتی است برای تحت‌تأثیر قرار دادن بنگاه‌های کاریابی که از معلولان استفاده کنند و ارزش‌های نهفته و ناپیدای آن‌ها را به تصویر بکشند. در نتیجه چنین هم‌اندیشی‌ای، بنگاه‌ها را برای به‌کارگیری معلولان دارای مهارت و توان کار کردن برانگیخت. شبیه‌سازی نیروهای کمکی ذکرشده در کشور امری شدنی و اثرگذار است. اجرای این برنامه‌ها خشنودی و تأیید توان‌خواهان را در پی دارد.

۴. آموزش و پرورش رابطه بین فقر مزمن و معلولیت با توجه به فرهنگ بومی و بین فرهنگی متفاوت است. باوجوداینکه معلولان بخش بزرگ‌تر نامتعارفی در جمع افراد دچار فقر مزمن هستند و همه‌ی معلولان تجربه‌ی

ناوی نازده‌لان له پهن‌دی پیشینیان و کولتوری کورده‌واریدا (به‌شی هه‌شتم)



تا‌که‌ر له به‌غدا نه‌سه‌رئینی، به‌ری نادا تا‌که‌رئینگ نه‌تۆپیی، سه‌د سه‌گ چاوه‌روانه تا‌که‌ره‌ش‌ه‌لی هاورد، کاروان باری کرد تا‌که‌ره‌ش‌ه‌ل هاته‌وه، کاروان حه‌س‌سایه‌وه ته‌شیرئیس نا‌زا بی، به‌کلکی که‌ریش بی نه‌رئئیس ته‌قی زئیر، له‌ملی که‌رایه چاروباریش سمی‌که‌ر نه‌تاشن جوان مه‌نیره بو داوای ئن، پیر مه‌نیره بو که‌ره‌سه‌ندن حه‌یفه زین که‌ی له‌که‌ر چینی‌گا و که‌ران، مال ناوا‌که‌ران حاشا له‌و شاییه که‌ر هه‌لی نه‌سوورئینی خاوه‌نی که‌ر له‌دوای که‌روه‌یه خووی که‌ر، ترینه خۆ سه‌ری که‌ر ناخوړئ بیستان بی سه‌لکه‌که‌ر نابئ خۆم و که‌رم له‌سیبه، عالم بسووتن له‌دهر داراییه‌که‌ی باری که‌رئیکه‌ دانا به‌حرفئیی، که‌ر به‌نه‌فیزه درۆ‌که‌ری درۆزنه ره‌فیتی که‌ر به‌شی ته‌رسه زویزه، که‌ر نه‌خانه سه‌ره‌سه‌ر نه‌گه‌ر که‌ری به‌راه‌یری، نه‌گه‌ر هینستری سه‌ره‌سه‌ری هیلکه‌روړۆن که‌ر بو‌که‌ر، گوئی تیج نه‌خا ئیژی که‌ره‌که‌ی من لای نه‌سپه‌که‌ی خان به‌سته‌وه بو‌که‌رئیک نه‌گه‌رئ، کوته‌نالیک‌ی پیوه بی با به‌لای که‌را، کوپانه‌که‌ی لئ نه‌گرتنه‌وه باری که‌ر دایم قورسه باری برته‌و بی له‌که‌ر، گورگ نه‌یخوا به‌که‌ر ناوئیرئ، به‌کوپان شی‌ره به‌ره‌وخوار و به‌ره‌زووړ، که‌ره‌کول و خوړجه‌سوور بزن نه‌لی به‌که‌ر، له‌قه مه‌وه‌شینه، خو‌ی شاخ تیژ نه‌کا

هایشان به نمایش می‌گذارند، کسانی که قبح خرد کردن کرامت انسانی را می‌شکنند. «یک انسان باشرف که به دیدار کولبران راه‌حل کدام است؟ تغییر نگرش به معیشت؟ ایجاد فرصت‌های شغلی و جایگزین‌های مناسب؟ اعتراضات مدنی؟ حرکت‌های نمادین؟ استفاده از مجراهای قانونی؟ و ... شاید اگر ریزبینانه تر به موضوع نگریم، مقصرین و راه‌حل‌های فراوانی یافت؟ اگر اراده‌ای در حد کلان مجالس قانون‌گذاران و محافل قدرت برای حل این بحران می‌بود کار به اینجاها نمی‌کشید. کولبری از عدم اهتمام مسئولین رده‌بالا و نمایندگان کوردستان در مجلس شورای اسلامی رنج می‌برد. کولبری و حواشی آن تبدیل به امری عطف به تغییر رویکرد جدی نشده است، دید مرکزگرایانه و مطرود کردن حواشی نشینان کشور مانع بررسی چنین موضوعی است و کولبران به‌مراتب خونی که‌رنگ‌تر از مرکز نشینان دارند. کولبر دچار خود استثماری می‌شود؛ اول عزت‌نفس خود را می‌بازد و سپس غرور انسانی‌اش را و اما رسالت فعالین مدنی، کنشگران حوزه حقوق بشر، داعیه‌داران حقوق کارگران و مدافعین طبقه پایین‌دست جامعه چه می‌تواند باشد؟ کولبری کاری سخت، پراسترس و تحقیرکننده می‌باشد. کولبری شامل هیچ‌کدام از آیت‌های جهانی و حتی ایرانی شغل نمی‌باشد، فاقد بیمه، فاقد مرخصی و عیدانه، فاقد بازنشستگی، فاقد امنیت و ... است. اولین کسی که به کولبر رنج روا می‌داد، خود خود اوست، کولبر دچار خود استثماری می‌شود، در اولین اقدام عزت‌نفس خود را می‌بازد، غرور انسانی‌اش بعدها پامال می‌شود و عملاً دچار بزهدن هویت انسانی می‌شود. هیچ کولبری زنده از مرز بازمی‌گردد، یا جسمش را جایی می‌گذارد یا روح و روانش را. با این اوصاف دفاع از کولبری نمی‌تواند کنشی انسانی باشد، چراکه انسان در شان این‌همه رنج نیست، کولبر به‌مثابه یک انسان باید تفکیک از این کنش‌ها گردد. کنشگر نماها خیلی اوقات دچار این مغلظه می‌شوند، کسانی که رنج انسان را در فضای مجازی در راستای بالا بردن لایک

کۆل‌ه‌رنامه... هیچ کولبری زنده از مرز بازمی‌گردد

عقد‌های نهفته به دلایل گوناگون؟ متولیان اشتغال؟ سرمایه‌داران و صاحبان اصلی کول‌ها؟ خود کولبران؟ راه‌حل کدام است؟ تغییر نگرش به معیشت؟ ایجاد فرصت‌های شغلی و جایگزین‌های مناسب؟ اعتراضات مدنی؟ حرکت‌های نمادین؟ استفاده از مجراهای قانونی؟ و ... شاید اگر ریزبینانه تر به موضوع نگریم، مقصرین و راه‌حل‌های فراوانی یافت؟ اگر اراده‌ای در حد کلان مجالس قانون‌گذاران و محافل قدرت برای حل این بحران می‌بود کار به اینجاها نمی‌کشید. کولبری از عدم اهتمام مسئولین رده‌بالا و نمایندگان کوردستان در مجلس شورای اسلامی رنج می‌برد. کولبری و حواشی آن تبدیل به امری عطف به تغییر رویکرد جدی نشده است، دید مرکزگرایانه و مطرود کردن حواشی نشینان کشور مانع بررسی چنین موضوعی است و کولبران به‌مراتب خونی که‌رنگ‌تر از مرکز نشینان دارند.

کولبر دچار خود استثماری می‌شود؛ اول عزت‌نفس خود را می‌بازد و سپس غرور انسانی‌اش را و اما رسالت فعالین مدنی، کنشگران حوزه حقوق بشر، داعیه‌داران حقوق کارگران و مدافعین طبقه پایین‌دست جامعه چه می‌تواند باشد؟ کولبری کاری سخت، پراسترس و تحقیرکننده می‌باشد. کولبری شامل هیچ‌کدام از آیت‌های جهانی و حتی ایرانی شغل نمی‌باشد، فاقد بیمه، فاقد مرخصی و عیدانه، فاقد بازنشستگی، فاقد امنیت و ... است. اولین کسی که به کولبر رنج روا می‌داد، خود خود اوست، کولبر دچار خود استثماری می‌شود، در اولین اقدام عزت‌نفس خود را می‌بازد، غرور انسانی‌اش بعدها پامال می‌شود و عملاً دچار بزهدن هویت انسانی می‌شود. هیچ کولبری زنده از مرز بازمی‌گردد، یا جسمش را جایی می‌گذارد یا روح و روانش را. با این اوصاف دفاع از کولبری نمی‌تواند کنشی انسانی باشد، چراکه انسان در شان این‌همه رنج نیست، کولبر به‌مثابه یک انسان باید تفکیک از این کنش‌ها گردد. کنشگر نماها خیلی اوقات دچار این مغلظه می‌شوند، کسانی که رنج انسان را در فضای مجازی در راستای بالا بردن لایک

عکسی خوب و گویا، تعدادی نیروی ضد شورش مسلح به اطوم، کلاه‌خود ضدضربه، سپر دفاع در خیابانی نه‌چندان عریض و اما جلوشان مردی نزدیک به پنجاه سال سن و قدی متوسط، موهای کم‌پشت، ریشی جوگندمی با پیرهنی نارنجی و شلوار کوردی و کفش‌های صندل. مرد ایستاد محکم و باراده سرش را بالا و دست‌هایش را پشتش قرار داده و سعی دارد هجوم نیروهای ضد شورش را به چالش بکشد. دید مرکزگرایانه و مطرود کردن حواشی نشینان کشور

بعد از کشته شدن دو کولبر از هالی بانه به اسامی حیدر فرجی (۱۲ ساله) و قادر بهرامی (۱۴ ساله)، به تاریخ سیزدهم شهریور سال جاری، فضای عمومی کوردستان ملتهب و مردم عصبانی از تداوم این کشتارها بودند. شهرستان بانه با تعطیلی بازار اعتصاب عمومی اعلام کرده و با آمدن به جلو درب فرمانداری و دیگر اماکن عمومی و دولتی، خیابان را برای تریبون اعتراضات خود انتخاب کردند. تصویر مرد ایستاده‌ی بانه‌ای نمادی گویا از اعتراضات مدنی ست، مرد ایستاده فرار نمی‌کند چراکه با اعتمادبه‌نفس حشش را می‌خواهد، مرد ایستاده بانه‌ای از ضرب و شتم احتمالی عناصر نظامی هراسی ندارد چراکه معتقد است برای به دست آوردن حق باید هزینه داد، باید ایستاد.

دیگر شهرهای کوردستان نیز اعتراضات و اعتصابات را اعلام و به شیوه‌های مختلف و پراکنده برگزار کردند؛ اما به‌مانند اتفاقات مشابه قبلی در جای‌جای کوردستان، جو مشتنج کم‌رنگ شده و علی‌رغم خون‌های ریخته شده و به‌جا ماندن فرزندان متیم، غلغله مختم و مواضع افکار عمومی منتج به نتیجه ملموسی نشد. قربانیان به خاک سپرده شدند و از فرادای اتمام اعتراضات برادرانشان بساط کولبری را برداشته و رفتند تا که شکار بعدی مرزبانان باشند. به‌راستی چه کسی مقصر است؟ مرزبانان؟ اختلاس گران؟ مدیران توسعه کشوری و استانی؟ دید مرکزگرایانه به اقتصاد؟



محمد دانش

عکسی خوب و گویا، تعدادی نیروی ضد شورش مسلح به اطوم، کلاه‌خود ضدضربه، سپر دفاع در خیابانی نه‌چندان عریض و اما جلوشان مردی نزدیک به پنجاه سال سن و قدی متوسط، موهای کم‌پشت، ریشی جوگندمی با پیرهنی نارنجی و شلوار کوردی و کفش‌های صندل. مرد ایستاد محکم و باراده سرش را بالا و دست‌هایش را پشتش قرار داده و سعی دارد هجوم نیروهای ضد شورش را به چالش بکشد. دید مرکزگرایانه و مطرود کردن حواشی نشینان کشور

بعد از کشته شدن دو کولبر از هالی بانه به اسامی حیدر فرجی (۱۲ ساله) و قادر بهرامی (۱۴ ساله)، به تاریخ سیزدهم شهریور سال جاری، فضای عمومی کوردستان ملتهب و مردم عصبانی از تداوم این کشتارها بودند. شهرستان بانه با تعطیلی بازار اعتصاب عمومی اعلام کرده و با آمدن به جلو درب فرمانداری و دیگر اماکن عمومی و دولتی، خیابان را برای تریبون اعتراضات خود انتخاب کردند. تصویر مرد ایستاده‌ی بانه‌ای نمادی گویا از اعتراضات مدنی ست، مرد ایستاده فرار نمی‌کند چراکه با اعتمادبه‌نفس حشش را می‌خواهد، مرد ایستاده بانه‌ای از ضرب و شتم احتمالی عناصر نظامی هراسی ندارد چراکه معتقد است برای به دست آوردن حق باید هزینه داد، باید ایستاد.

دیگر شهرهای کوردستان نیز اعتراضات و اعتصابات را اعلام و به شیوه‌های مختلف و پراکنده برگزار کردند؛ اما به‌مانند اتفاقات مشابه قبلی در جای‌جای کوردستان، جو مشتنج کم‌رنگ شده و علی‌رغم خون‌های ریخته شده و به‌جا ماندن فرزندان متیم، غلغله مختم و مواضع افکار عمومی منتج به نتیجه ملموسی نشد. قربانیان به خاک سپرده شدند و از فرادای اتمام اعتراضات برادرانشان بساط کولبری را برداشته و رفتند تا که شکار بعدی مرزبانان باشند. به‌راستی چه کسی مقصر است؟ مرزبانان؟ اختلاس گران؟ مدیران توسعه کشوری و استانی؟ دید مرکزگرایانه به اقتصاد؟



▪ شنبه ۱۵ مهر ۱۳۹۶
▪ سال دوم
▪ شماره ۲۴



▪ **مدرک کربمی**

تمايل به رديگری مفاهيم عمیق و اندیشه‌های ناب بشری در دل کتاب‌ها و نوشته‌های فلسفی، ادبی، و…

دورانی طولانی است که مد شده، مخصوصاً حالا که سیل نوشته‌های آنلاین و آفلاین و کتابی و مطبوعاتی، حکایت هر محله و دکان و بازاری است!

از دست دادن بینایی درون، راه را بر کوری باطن می‌گشاید!

نسل ما هم که باردنگی وترکه و چوب وسیلی، زورچیان، وارد مدرسه و معرکه شدیم، کم‌کم و به‌ناچار، عادتمان دادند که بزرگی و عمق را از دهان کسانی بجوییم که اهل نوشتن و کتاب و کتابخانه‌اند و همین باعث شد، بت‌های ذهنی مان نه در محیط ملموس دوروبر، که در شهرهای دور و بلاد بعید جای داشته باشند؛ ازماهترانی که کتاب نوشته اند-شاملو، صادق چوبک، امیرحسین آریانپور، مارکس، نیما، فروغ، گارسیا مارکز، کامو، و…-ان هم نه به‌انکای مطالعات پیگیروقوام‌یافته که بیشتر شعارزده و از روی تعصب و دهن‌بینی، دلا شاملو را می‌پرستیم حتی سیگار و اعتیادش را توجیه شده می‌دانیم نه به پشتوانه‌ی غور و کنکاش در کتاب‌ها و افکارش بلکه بااطمینان از به‌روز بودن و مد بودن نام و شهرتش، البته برای در رفتن از اتهام عدم مطالعه‌اش چند شعر ساده‌ی و همه‌فهم وی مانند: "دهانت را می‌بوید/ مبادا که گفته باشی دوستت می‌دارم و یا: لبانت به ظرافت شعر/ شهنوائی‌ترین بوسه‌ها را به شرمی چنان میدل می‌کند/ که جاندار غارنشین /از آن سود می‌جوید و… " را حفظ می‌کنیم، غافل از اینکه، شاملو یا هر نویسنده‌ی دیگری، مثل ما، موجودات خرد-هشیمه دار دویا، که روزی سه‌الی چهارنوبت، مقدار معتدیهای آذوقهٔ را طی مراسمی مفصل و جان‌کن، به کودی بدیو تبدیل می‌کنیم، انسان و جایزالخطا بوده‌اند (اتفاقا خیلی وقت‌ها خطاهای بزرگ را آدم‌های بزرگ مرتکب می‌شوند و این حرف من نیست گواهی تاریخ است) و نباید از آن‌ها بت و امامزاده ساخت، شاملو سهل است بزرگان فلسفه‌ی غرب و شرق و بودا و زرتشت هم هم‌رتیف این قافله‌اند. از بحث دور شدم، کتاب زده بودن و چشم و دل را معتاد نوشته و کتاب کردن در بسیاری اوقات باعث می‌شود دیدگاه نسبی و انتقادی را که ویژگی

انسان مدرن و متفکر است از دست بدهیم! از دست دادن بینایی درون، راه را بر کوری باطن می‌گشاید! کور باطن که شدیم، دیگر، آدمی می‌شویم ظاهرالعالم که بسیاری مطالب و شعار و نوشته را حمل می‌کند امانگاه تار و کج است و راه به پستوهای نمور دارد نه به بنجره‌ها و دریچه‌های گشاده به آغوش نور.

بذجور یک بُعدی بار آمده ایم

اعتراف می‌کنم خیلی وقت‌ها فکر کرده‌ام که در خانواده‌مان، چقدر بدبختی هایمان، ریشه در بی‌سوادی پدرم دارند و پیش‌خودم گله کرده‌ام که ای‌کاش پدرم دبيلم داشت، چراکه از این طریق راز دهر و ملکوت و سما را در سطرهای عمیق حاضر بودند راجع به مرگ و اندیشه بعد از ازدواج با مادرم حمل می‌کرد و هرروز جرعه‌ای از این بی‌کرانه را به مشام جان ما روانه می‌کرد و در معیت و همدوش پدری دبيلم، در نردبانی شبیه پله‌های برقی پاسبانهای چندطبقه، سه روزن‌ان بی‌خیال، به اشراق و معراج و پیشرفت، صعود می‌کردیم، پدرم و هم‌قطران هم‌نسل پدرم در نظر من آدم‌هایی بودند که از نعمت‌مذخور شدن با عمق اندیشه‌های نظام‌یافته‌ی بشری که در دل کتاب‌ها لانه داشت، دور بودند و لاجرم موجوداتی بودند فسیل، که نه از راز زندگی بهره‌ای برده بودند نه بلد بودند تصمیمات درست و امروزی بگیرند و نه با اندیشه‌های عمیق حاضر بودند راجع به مرگ و پایان حیات فکر کنند چراکه نظام آموزشی مرا معتاد کرده بود که سراغ این مفاهیم را فقط از نوشته‌ها و منابع مکتوب باید گرفت؛ نه در کوچه‌پس‌کوچه‌های خاک‌گرفته‌ی نودشه و آدم‌های دم دست دوروبر! اما روزبه‌روز که گردونه‌ی زمان، کودکی و خامی چندلایه‌ی اولیه را از من گرفت پی‌بردم که همین بیخ‌گوشم‌متنی زنده و کواباتول‌پوش، کتابخانه‌ای را از فراسوی پیشا‌تولدم تا اکنون سی‌وهفت‌سالگی‌ام حمل می‌کند که نام همیشه‌اش: "تاته‌ است فهمیدم پدر دبيلم نداشت‌ام، در دانشگاه باغ "دروعازا" و "بیسکی" و "سپروانسک" و ملگاوقولی * و… با استادانی همچون: انجیر-توت و چشمه، صدها هزار واحد رویش و برگ و با و خزان و سرما و نوروز و آتش را در سکوئی بودایی و اهورایی، تنفس کرده -تفکر پدرم نه با واژه‌های پرطمطراق باخ و روز و روزنامه که با رفتار درست و درحور در حق یک سنجاب، گریه‌ی پشت‌بام، یک نه‌مام، پیروزن ندار همسایه، حس حلول بهار، گرمای

ای قوم به حج رفته …



هم‌نشینی‌های زمستان و کلانش چیدن‌های دوره‌م غروب‌های پشت‌بام و… آشیان دارد. نسل ما که بار کتاب و نوشته و سی دی و تبلت و لپ‌تاب و… بذجور یک بعدی بارمان آورده نیاز اکید داریم در عین احترام به نعمات دنیای مدرن با دیدی عاری از تعصب، شیش و… از وضعیت سرسام زنان و دختران فاجعه‌بار بهداشت و حمام و دستشویی و شوی سال‌های دور کودکی با خود دارد- شخصیت‌مان نکرد.

مدینه‌ی فاضله دروغین و موهوم را در گذشته‌ی از دست‌رفته‌ی چرکین دنبال نکنیم

اگر از پدر من پرسید صادق هدایت کیست؟ به‌احتمال‌قوی نمی‌داند که در پرسپولیس بازی می‌کند یا دروزن منهای شصت کیلو کشتی می‌گیرد و اینکه بوف کور را فروغ فرخ‌زاد نوشته یا محمدرضا شجریان؟! اصلا قاطی این جرت‌وپرت‌ها نشده، ولی اگر از پدرم درباره‌ی درخت و آب و آبیاری سؤال کنی، چنان به سلوک گردو و سایه‌ی چنار و رفتار توت و انگور وارد است که نسل جدید با کبورد و بیت بال و جنیفر و کریس رونالدو و پلی‌استیشن و کلش اف کلنز زهره‌مرما!

efil rof nerdlıhc

مدعای بزرگ و بسیار مسئولیت‌آوری. چه ترسانک!.. باید از نظام آموزشی پرسید بچه‌ها را از چه جهت آماده می‌کند؟ پرورش خلاقیت‌های فردی؟ هنر؟ ورزش و رقابت؟ احترام؟ هیجان؟ …؟ … یا …؟ قوت‌لابیوت این نظام هزارساله‌ی دوازده‌ساله در کنکوری خاصه می‌شود که شیطنت و بازی و رنگ و وسؤال و هنر و اشتیاق را از بچه‌های‌می‌گیرد در عوض با گاج و قلمچی و مدرسان شریف و تست‌های موهن، آن‌ها را پس از چهارااااااااااااااااا ن خودسیاه دانشگاه وواداشتن لشکر داوطلبان به ثبت‌نام در سامانه‌ی سنجش دات آی‌آر وروایز مبلغ درخواستی و کد رشته‌ی شغل موردنظر به شرکت در آزمون سرسام و استخدام دل‌خوش کسند آن هم استخدام یک نظر‌کرده‌ی مطمئن از میان سی‌چهل هزار رأس گماشته‌ی واحد پس داده … چه شاکلک زنت بی‌برگ و سورت است این زندگی… چه بروت تاوُل و چراکابه‌ای است این ردیف صندلی‌های منتظر…

معلمانی که کلاس را با آشویتس اشتباه گرفته‌اند

از خودم بگویم، بچه‌ی ترد و نحیف و مشتاقی بودم که سال‌های باروت و آژیر و کاتیوشا را روی نیمکت‌های چوبی مخروبه‌ی تاریکی که هنوز نمی‌دانم چطور می‌شد کلاس باشد سر کردم … موجود مهیب انترلااضواتی را در کسوت معلم بالای سرمان اجبر کرده بودند که کلاس را با آشویتس اشتباه گرفته بود، کافی بود ما را در حین ارتکاب گناه کبیره‌ای چون جوبیدن ته چوبی مداف یا چروک کردن خفیف ورقه‌ی امتحان یا حتی دوییدن در میان کوچه آن‌هم در روزهاااااااا تعطیل ببیند، همین فقره جرم کافی بود تا چیزی شبیه اتاق گاز اردوگاه داخائو در انتظارمان باشد. این آدولف حقوق‌بگیر بخشنامه پرست، تالی نحس اجناس ماقبل خود یعنی آیشمن و گوبلز و آتیلا بود منتها نه در جایگاه رئیس حزب نازی که در لباس آغه‌ی معلم.

دربان مدعی را با گابل باید بست

آن روزهای جیب و خون و خانوادۀ آقای هاشمی گذشت و آمدیم تااااااااااااااااا کنکور وورا! مثل این بود که جلوی منزل‌مان یک‌صد دستگاه اتوبوس منتظر، ایکنه‌ه از عزیمت و کوچاندن‌مان باشند بدون اینکه نه از مقصد باخبر باشیم و نه از طبیعت راه‌نه‌ه حتی از هویت راننده، هر یک از ما الله‌بختکی و بیشتر از زوی شیک بودن اسم، اسم کد رشته‌ها

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

قهیرانی ژینگه، دۆخی ئالۆزی ژیان

پێشکەشی ژییمه کرد؛ مڕۆف تهنیا به ۲۰۰ هه‌زار سال ژيان هه‌موو شتیکی ژێروژووڕ کرد، ژییمه روودای ناله‌یار ده‌بینین، به‌لام نامانه‌ی ده‌سه‌روه‌ی ک له‌گرفته‌کان بکه‌ینه‌وه، وێرانکاری حاشاهه‌ل‌نه‌گره.

کەس خۆی به‌بر‌پرسیار نازانی! راده‌ی ناوی ژێر زه‌وی خه‌ریکه‌ ته‌واو ده‌بێت، تێر‌بوونی ۷ میلیارده‌ مڕۆف به‌ نرخیکی گران ته‌واو بووه، تهنیا له (هێند) ۲۱ میلیون چالای لێ دراوه. بۆچی دوور برۆین، ده‌شتی قووره‌ و هه‌مه‌دان که‌وته‌ نامزێی به‌ کت‌ر، ژبانی تازه‌ که‌وته‌ گهر؟ که‌ به‌ دۆزینه‌وه‌ی (نه‌وت) سه‌ره‌که‌وتنیکی به‌په‌له‌ و سه‌رسووڕه‌ینه‌ری لێ ده‌که‌وته‌وه.

که‌ له ۵۰ سال دا‌واییدا، به‌ قه‌د ته‌واوی ژیان، سه‌ره‌که‌وتن و سامان ده‌سه‌ره‌یه‌ ده‌ کای؛ لیت‌ر نه‌وت له‌ رۆژێکدا به‌ قه‌را ۱۰۰ باسکی کرێکارێک توانای زه‌ی هه‌یه. ۷۰ له‌سه‌دی ناوی جیهان بۆ کشت و کال سه‌رف ده‌ی؛ کشت و کال دۆخێکی دیکه‌ ده‌خول‌قێنی. له‌ ده‌سه‌لات خۆرازی مڕۆفه‌وه، به‌ هه‌زاران جۆر دار و بالنده‌ و گیا و گولی لێ‌ه‌وار له‌ناو ته‌چ‌ن. کشت و کالی به‌په‌له‌ ده‌بێته‌ کاری هه‌موو رۆژمان، جاره‌کان ده‌ کێلدرین، ده‌شت و کێو به‌ ناسن ژێروژووڕ نه‌ین، شاخ و کێو به‌ ده‌ست جاده‌ و گۆزه‌پانه‌کانه‌وه‌ ده‌نا‌ین. مڕۆفی سه‌که‌رۆ چای ته‌ماح و نایاک ده‌برێته‌ هه‌ر زینده‌وه‌رێک.

به‌ یارمه‌تی (نه‌وت) و کاری هه‌زران ئالوگۆزی به‌پرتاو و به‌په‌له‌ وه‌ک شێر‌به‌نچه‌ ولات دا‌ده‌ گرێت. له‌و ۲۰ ساله‌دا به‌ قه‌د ته‌واوی میژووی مڕۆف کانگا و مه‌عه‌دمان ده‌ر هه‌نباره‌. له‌سالی ۱۹۵۰ی زاینیی به‌ولا‌وه‌ ئالووێر ۲۰ به‌رامبه‌ر بووه‌ته‌وه، که‌ نه‌وه‌ده‌سه‌دی له‌ ڕێگای زه‌ریا‌وه‌یه. به‌ دا‌هاتی نه‌وت له‌ (دو‌به‌ی) هه‌موو شتی‌ک ده‌ کرێ، وه‌ک چۆ کر‌دی به‌ر‌تر‌ترین بو‌رجی دنیا به‌ ۸۰۰میت‌ر به‌رزایی، با‌ل‌خانه‌ی سه‌ه‌روه‌مه‌ر، هه‌یاش خانه‌ی سه‌یحرا‌وی، که‌ له‌ خه‌ون و خه‌یالی خه‌لیقه‌کانی عه‌باسیشدا نا‌گون‌چ‌ن. شاری ده‌ست‌کرد له‌ سه‌ر زه‌ریا چۆ ده‌کن. به‌ پارێ نه‌وت هه‌موو به‌ره‌مه‌ی خه‌لکی و شیار و نه‌جده‌ری دنیا ده‌کن. له‌ هه‌یج کو‌نی و دنیا وه‌ک دو‌به‌ی له‌ سه‌ره‌چا‌وه‌ی ژینگه‌ و س‌روشت دو‌ور نه‌ په‌له‌وه‌ر و بالنده‌ سه‌رخ‌وشیه‌ ده‌توانی به‌رده‌وام بێ؟ زه‌وی له‌ ۱/۵میلیارده‌ی هاته‌یه‌وه‌، هه‌موو به‌روبوومی خۆی به‌سه‌خا‌وه‌ته‌وه‌ برد، داری (ئۆکالیپتوس)یان چه‌قاند،

ماکی کارگه‌ی کاغه‌زه، به‌هۆی ژه‌ه‌را‌وی بوونی گه‌لای ئه‌و دارانه‌، هه‌یج گیا و په‌له‌وه‌رێک له‌و دارستانه‌ هه‌ل نا‌کا و نا‌ژی. یان (هائیتی) که‌ به‌شی هه‌زار‌ترین ولاتی دونیایه‌ و به‌ بێ یارمه‌تی ولاتانی ده‌ره‌کی، مڕۆژیکیش ناتوانی خۆی به‌ر‌تۆه‌ه‌رئ؛ شاخ و پێده‌شته‌کانی هائیتی ته‌نها دوو له‌سه‌دی دارستانه‌ی تێدا ماوه‌ته‌وه‌، ولاتیکی وشک و قافر و بێ له‌وه‌رگه‌ و دارستان. له ۵۰ سالی راب‌ردوودا زۆر‌به‌ی دارستانه‌کانی پارێزگای کوردستان له ۱ میلیون هه‌یکتار گه‌ش‌ت‌ه‌وه‌نه‌ته ۳۰۰ هه‌زار هه‌یکتار که‌ ئه‌ویش کومه‌لیک داری به‌ریلان، که‌ تاک‌رێ ناوی دارستانیان لێ نه‌برئ.

ته‌نیا له ۵۰ سالدا له‌ ناستی ۲۰۰هه‌زار سال ژیان، کاریگه‌ری نه‌ر‌نێمان له‌سه‌ر زه‌وی دا‌وه. ئه‌وه‌ به‌ش‌تیکه‌ له‌ دیرو‌کی ژبانمان، له‌و قوتن‌غه‌دا چاره‌ چیه‌یه؟ ۷۰ له‌سه‌دی خه‌لکی (نیجریه‌) ده‌سه‌تگن و نیوه‌ی خه‌لکی هه‌زاری دنیا له‌و ولاتانه‌ ده‌زین که‌ سه‌ره‌چا‌وه‌ی سامان و داراییگه‌لیکن وه‌ک نه‌وت و کانکا و مه‌عه‌دن. ته‌وا‌وی سه‌ره‌وه‌ت و سامانی جیهان که‌ه‌ت‌ه‌وته‌ ده‌ستی ۲ له‌سه‌دی خه‌لکی دنیا. چۆل بوونی ده‌پاته‌کان و پیکه‌نهانی شاری بێ قه‌واره‌ که‌ رۆژ به‌ رۆژ به‌ ئاپۆره‌ی خه‌لکی ده‌سه‌تگ و نه‌دار ده‌نه‌ئ‌رئ. هه‌ر خه‌وت‌ن‌ویه‌ک ۱ ملیۆن به‌حه‌شیمه‌تی شاره‌ه‌کانی جیهان زیاد ده‌بێ. که‌ له‌ به‌ستی‌نی شاری بێشونا‌س(حاشیه‌نیشینی) خۆی ده‌نو‌وت‌نێت. ده‌بێته‌ ده‌سته‌ چیه‌لی به‌یدا‌خی مافیای به‌ر‌وێزینی ک‌اری په‌ش و قا‌چاخ و له‌ش فرۆشی و…

۲۰ له‌سه‌دی خه‌لکی سامان‌داری دنیا ۸۰ له‌سه‌دی کانگا و داراییه‌کانی ژێر زه‌وی دینه‌نه‌ ده‌رئ و هه‌لی ده‌لو‌وشن. شاری (لاگوس) وێنای شاریک‌ی هه‌را و بێ قه‌واره‌یه. له‌ سالی ۱۹۶۰ی زاینیی شاریکی چکوله‌په‌ نه‌ژماری ۷۰هه‌زار حه‌شیمه‌ت، هه‌تا سالی ۲۰۲۵ی زاینیی، ۱۶ ملیۆن حه‌شیمه‌تی هه‌زار و ده‌سه‌تگ له‌ خۆ ده‌که‌وته‌وه؛ که‌ زۆر‌به‌یان نا‌خ و نشینن که‌ ده‌سته‌یان به‌ نا‌و و کاره‌با نا‌خ و ته‌نا‌ته‌ نا‌وده‌ستی‌شان نابێ. جا بۆ دو‌ور بوونێ گۆی زه‌وی، که‌ ها‌وکاته‌ به‌ تیک‌چوونی ژینگه‌ و گیانی هه‌زاران په‌له‌وه‌ر و بالنده‌ بوون، له‌ نا‌وایی (نایسه‌ر) له‌ ده‌وری شاری سه‌نه، هه‌تا ۳۰ سال پێش، نا‌وابه‌ی‌کی چکوله‌ که‌ را‌ده‌ی حه‌شیمه‌تی نه‌ده‌گه‌یشته‌

دنیا که‌لک وه‌رده‌گرن. پێ‌بوسته‌ نا‌ورت‌یک له‌ راب‌ردوومان به‌دینه‌وه‌ و قه‌دری ژینگه‌ براین. هه‌ر خه‌وت‌وو ۱ ملیۆن حه‌شیمه‌ت به‌ ئاپۆره‌ی خه‌لکی شاره‌کانی دنیا زیاد ده‌بێت.

به‌لام هه‌یشتا که‌ رووناکی، هه‌یوا و ئومێد له‌ دل‌مان نه‌ده‌ره‌وشێته‌وه‌، به‌ مبه‌لسۆن مڕۆفی خۆبه‌خش ده‌بینین؛ چا‌وپاک، ده‌سته‌پاک و بێ ده‌هه‌رگ‌ژی، بۆ به‌خه‌وه‌ری مڕۆف و زیندو‌وکر‌نده‌وه‌ی سه‌ره‌چا‌وه‌کانی ژیان و ژینگه‌ تیده‌کوشن. که‌ میژووی ته‌ما‌وبی راب‌ردوومان راب‌مان‌ن. بیه‌ر و ه‌زری ژینگه‌پارێزی بو‌وه‌ته‌ کۆلتوو‌ر و خ‌ویلیه‌یک که‌ په‌گا‌زۆی کردووه‌ بۆ هه‌ر ش‌وێن‌یک و له ۱۵ سالی راب‌ردوودا زۆر لێ‌پرس‌راوانه‌ له‌ ناستی دا‌رو‌ده‌وه‌ن و هه‌موو بو‌ونه‌وه‌رێکدا هه‌لس‌وو‌را‌ون و به‌نێسه‌ب‌ت مه‌دان‌کاری به‌ر‌پسه‌که‌انه‌وه‌ له‌ه‌لو‌ست‌ی ده‌دنییان گرت‌وه‌.

ولاتی ده‌سه‌تگ و هه‌زاری (کاستاریکا) له‌ مابه‌ینی هه‌یزی نی‌زاسی و پارێزگاری له‌ س‌روشت و ژیان، فیک‌ر‌کاری و ر‌اهه‌ئ‌ان، ده‌سه‌لات و پار‌هی بۆ پاراستنی س‌روشت و فیک‌ر‌کاری ش‌ت‌ه‌وه‌ته‌ گه‌ر.

ولاتی (لۆس‌تۆو) هه‌زار‌ترین ولاتی جیهانه‌ که‌ زۆر‌ترین سامان و پار‌هی بۆ پاراستنی ژینگه‌ و به‌رز‌ه‌و‌ندی گشتی خ‌سته‌وته‌ گه‌ر. نا‌وی ب‌و‌یستی شاری نی‌و‌یۆرک له‌ دارستانه‌کانه‌وه‌ دا‌بین ده‌ کرێ و ئ‌ا‌وی ژبا‌وه‌ینی بۆ په‌کار ناهینن. له‌ ولاتی(کۆریای باش‌وو‌ر) ئه‌و دارستانانه‌ی که‌ له‌ شه‌ری دوو کۆریا که‌دا له‌نا‌و چ‌وو بوو، ئێ‌ستاکه‌ ۷۰ له‌سه‌دی دارستانه‌کانیان زیندوو کرد‌وه‌ته‌وه. له‌ برێک له‌ ولاته‌ پێش‌که‌وت‌ن‌وه‌کان له‌ و‌زه‌ی خۆر که‌لک وه‌رده‌گرن؛ وه‌ک ولاتانی(نی‌وو‌زله‌ند) (ئۆتریش)(سه‌وۆئید) جی‌با له‌ و‌زه‌ی خۆر، له‌ هه‌زی یا له‌ شه‌پۆلی نا‌وی زه‌وی‌ش بۆ و‌زه‌ی کاری‌با که‌لک وه‌ر ده‌گرن؛ که‌وايه‌ ئه‌گر ئێ‌رێ و‌زه‌ی نا‌و یا له‌ دا‌هات‌وودا بۆ و‌زه‌ی کاره‌با جیگ‌روه‌ی نه‌وت و خه‌ل‌وو‌زی به‌رد(زغال سه‌نگ) بن. خۆر له‌ ما‌وه‌ی په‌ک کات‌زئێ‌ر ده‌بین‌وه‌ ئه‌و گه‌رم‌ت‌ه‌وه‌ی مڕۆف پیکمان له‌سه‌دی ده‌کات. که‌چی هه‌یشتاکه‌ ۸۰ له‌سه‌دی زه‌، له‌ کانگاکانی ژێر زه‌وی وه‌ک نه‌وت و خه‌ل‌وو‌زی به‌رده‌وه‌ دینه‌ نه‌نجام. م‌ر‌قه‌ه‌کان ئه‌گر له‌ ولاتیکیشدا نه‌زین و پێدا‌بو‌ستی‌شان جیا‌واز بێت، هه‌ر دیسان ده‌ینی هات‌ده‌ر و بێش‌یوانی گه‌ش‌ته‌ی نا‌کرێ خ‌ومان سه‌سا‌وه‌ بین، ولاتانی تر پ‌ر‌تا‌ز‌اوه‌. له‌ سه‌ر چا‌وه‌کامان بۆ فیک‌ر‌ کاری و بارهه‌ئ‌ان ژبانه‌وه‌ی س‌روشت و دارستانه‌کان و به‌رز‌ه‌و‌ندی م‌ر‌ف، له‌ ناشتی و پیکه‌وه‌ژبان که‌لک وه‌ر‌گیرن. ئه‌وه‌ی ب‌ومان ما‌وه‌ته‌وه‌ بێ‌پار‌ترین.

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....



عکسنامه کاوه کوردستانی



چکاد

تلخند

نمی دونم شما کجای دنیا زندگی می کنید اما من جایی زندگی می کنم که صندلی، تنها یک وسیله برای نشستن و استراحت نیست، اینجا صندلی از اهمیت و جایگاه عجیب و غریب و فوق العاده مهمی برخوردار است. بعضی ها برای نشستن بر روی صندلی مورد نظر خود، حاضرند حق دیگران را نادیده بگیرند. بعضی ها برای به دست آوردن صندلی از سروکول خیلی های دیگر بالا می روند. بعضی ها برای کسب صندلی حاضرند از همه چی بگذرند. کم نیستند افرادی که برای به دست آوردن صندلی، سر می برند، سر می زنند، سر می دهند، سر می کشند. تا صندلی را به دست نیآورده اند، خادم مردم هستند. به صندلی که رسیدند، مردم را فراموش می کنند. تا به صندلی نرسیده اند، حامی حق مردم هستند. به صندلی که رسیدند، حق قانونی مردم را نادیده می گیرند. کم نیستند کسانی که برای ماندن روی صندلی خاک خود را می فروشند. سراغ

دارم و سراغ دارید کسانی را که برای حفظ صندلی، آرمان های مردم را زیر پا می گذارند. بسیاری افرادی که برای ماندن بر روی صندلی روی خود را سیاه می کنند. بسیاری افرادی که برای ماندن روی صندلی حقایق را نادیده می گیرند، بسیاری افرادی که برای ماندن بر روی صندلی عقل و علم خود را زیر سؤال می برند. خلاصه صندلی در این ولایت بسیار مهم است؛ مهم تر از وجدان، مهم تر از عقل، مهم تر از انصاف، مهم تر از علم، غافل از اینکه:

اساساً اگر صندلی وفا داشت برای مدیران قبل شما داشت



خانه ی سبز

هر سطل زباله مانند هر وسیله دیگری دارای عمر مفیدی برای استفاده است و می توان با استفاده از تیمزکاری آن با آب گرم و بوراکس عمر آن را اندکی بیشتر کرده و البته که سطل زباله ای تمیزتر داشتیم.

سطل زباله

همه ما می دانیم که مواد داخل سطل زباله به سرعت می تواند فاسد شده و باعث ایجاد آلودگی در فضا شود، اما اکثر ما اغلب صبر می کنیم تا پر شده و شیرابه فاضلاب در آن جاری شود تا آن را برای خالی کردن آماده کنیم. البته که هیچ کدام از ما نمی خواهیم که سطل زباله ای کثیف و جرم گرفته باعث شود تا حشرات برای یافتن غذا و محلی برای تخم گذاری تحریک شوند. با گذشت زمان سطل های زباله جرم گرفته و غذاهای مانده در آن جرم ها با فاسد شدن باعث تحریک مگس ها و جذب آن ها می شود. نکته دیگر اینکه

سایت انجمن سبز چیا
www.chya.ir
تلفن رهنمای انجمن سبز چیا در ۵۱۵۱۳
[@chya2716](mailto:chya2716)

مردی از جنس پشتکار، اراده ای به قامت تاریخ

نوشتن از انسانی که کلمات عاجز از وصف هستند به راستی کاری سخت و گاه ناممکن است، انسانی دریادل که نمادی گویا و تمام قد از ایثار، مهربانی و خدمت به زمین است. انسانی که بی کمان در گسترش جغرافیای محدود مهربانی مؤثر بوده و سعی در کاهش خشونت های جامعه داشته است. «عبدالله آزادیدان» چهره شناخته شده در میان روستائیشینان مریوان، انسانی آراسته به خدمت و آبادانی موطن خویش، متولد ۱۳۵۰ در روستای ینگچه در بخش خاومیرآباد مریوان است. از همان جوانی احساس مسئولیت نسبت به محیط و جامعه خود درک کرده و تلاش کرده خدمتی گرچه کوچک به همنوعان خود کند. در سال ۱۳۷۸ به کمک چندی از دوستان دیگر اقدام به تاسیس کتابخانه ای عمومی در روستای ینگچه نمودند، کتابخانه «دارستان» علاوه بر کتاب و کتابداری، دیگر کارهای فرهنگی و مراسم خاص را در دایره وظایف خود می دید و انجام می داد. به مرور زمان اندیشه زیست محیطی اش بیشتر و بیشتر شده تا جایی که به همراه چند دوست دیگر پیشنهاد تاسیس یک انجمن زیست محیطی در میان فعالان چند روستای مجاور و شهر مریوان را می دهد.

آقای آزادیدان یکی از اعضای هیئت مؤسس «انجمن سبز دارستان» بود که بعدها به «انجمن سبز چیا» تغییر نام داد. آزادیدان، مؤسس انجمنی شد که سال های بعد یکی از موفق ترین جریان های زیست محیطی کوردستان و ایران گردید. مرزی بودن، معیشت ناپایدار، جنگ و دیگر مشکلات جاری در این منطقه، زندگی این بزرگ مرد را همیشه در نشیب های ناگوار قرار داده است. هشت سال جنگ ایران و عراق؛ آوارگی، بی خانمانی و خسارات زیاد دیگری را به کوردستان و مخصوصاً شهرهای مرزی وارد آورد. یکی از مصیبت های این جنگ خانمان سوز، مین های به جامانده از آن دوران است که بعد از سال ها همچنان قربانی می گرد و در واقع می توان گفت جنگ در کوردستان هنوز تمام نشده است. آزادیدان هم یکی از قربانیان این داستان تلخ و تراژیک است، ایشان در سال ۱۳۷۹ در جنگ های روستای خودشان روی مین رفت و پاشنه پای راستش را برای همیشه در آن جنگ ها به جا گذاشت. گرچه این حادثه حضور ایشان را تا حدودی از اطفای آتش سوزی های جنگ های کوردستان کم رنگ کرد اما نتوانست او را از ادامه دیگر فعالیت های انجمن بازدارد. شخصیتی محکم، متین و خردمند که ناجی روزهای سخت انجمن بوده است. با تداوم روزهای سخت انجمن در مریوان، او به همراه دوستانش، علی رغم حضور فیزیکی کم در انجمن، مشکلات انجمن را بررسی کرده و همیشه سعی در اخذ تصمیم های منطقی و

در راستای مصلحت و منافع انجمن داشته و از پیشکسوتان انجمن می باشند. **کاک عبدالله** از سال ۱۳۸۶ به عنوان دهیار روستای ینگچه انتخاب شد که با همکاری و پشتیبانی اهالی روستا، به عنوان دهیار نمونه انتخاب شد. وی نقشی اساسی در گسترش فرهنگ زیست محیطی، بهداشت محیط، مقابله با شکار در ینگچه و روستاهای مجاور داشته است. ایشان علاوه بر مشارکت فعال در کارهای زیست محیطی انجمن سبز چیا، فعالیت های عام المنفعه ذیل را نیز انجام داده است: - تشکیل گروه سرود کودکان و نوجوانان روستای ینگچه و فعالیت از این طریق در راستای آموزش شعر و سرود به کودکان و نوجوانان روستا. - تشکیل گروه نمایش روستای ینگچه. - سازماندهی و برگزاری مراسم و سنت های فرهنگی، ملی و مناسبات جهانی با همکاری فعالین روستا. مراسم هایی از قبیل: نوروز - روز جهانی کودکان - فستیوال آدم برفی و ... - راه اندازی فستیوالی تحت عنوان «هاومالی». - مراسم ویژه روستائیشینان، فستیوالی که در آن روستائیشینان با وظایف و تکالیف خود آشنا گردیده و سعی بر آن دارد که مردم را بیشتر به همکاری و همدلی دعوت و ترغیب کند. در این مراسم سالانه از کسی که در روستای خود فعالیت های فرهنگی، زیست محیطی و عام المنفعه داشته است، تقدیر می شود و هر سال یک نفر به عنوان «هاومال نمونه»

اعلامیه های جهانی

عکس نوشت

پیشانگای وینه ی به شدارووانی کارگهی وینه گری ناوه ندی «فه ژین» وئه نجومه نی هونه ره ته جه سوسومیه کانی مریوان | وینه گر؛ کامه ران به هرامی |



دوازده هه مین فستیوالی نیونه ته وه یی شانوی سه رشه قامی مریوان | وینه گر؛ کامه ران به هرامی |



دوازده هه مین فستیوالی نیونه ته وه یی شانوی سه رشه قامی مریوان | وینه گر؛ کامه ران به هرامی |



مأموریت مقدس
قطعه نامه (۱۹۶۰) ۱۵۱۴ سازمان ملل متحد نیز متذکر می شود که باید اقدامات عاجلی صورت بگیرد تا همه اختیارات و قدرت های حکومتی بدون هیچ قید و شرطی و مطابق با خواست مردم و بدون اعمال هیچ گونه تمایزی از حیث نژاد، زبان، مذهب یا رنگ، به مردم این سرزمین ها انتقال پیدا کند تا آن ها را به برخورداری کامل از استقلال و آزادی قادر سازد.
دیوان بین المللی دادگستری در سال ۱۹۷۱ می گوید: «توسعه و تحول متعاقب حقوق بین الملل در مورد سرزمین ها قابل اعمال ساخته است». تحولات مورد نظر دیوان خصوصاً با بند ۳ ماده ۱ مشترک در میثاقین و اعلامیه روابط دوستانه ۱۹۷۰ تکمیل شد. بر اساس بند ۳ ماده مذکور تکلیفی به مقام اداره کننده تحمیل می شد که در منشور صراحتاً ذکر نشده بود؛ دولت اداره کننده موظف بود که به تحقق حق تعیین سرنوشت کمک کند. به عبارت دیگر به سرزمین های غیر خودمختار در کسب استقلال کمک نماید. این بند مکمل مقررات منشور ۱۹۷۰ نیز وضعیت مردم سرزمین های غیر خودمختار را به موازات وضعیت مردم مستعمرات و در کنار آن ذکر کرده بود؛ بنابراین حق تعیین سرنوشت به همان صورتی که برای مردم مستعمرات وجود داشت، برای مردم سرزمین های غیر خودمختار نیز تعریف می شد. دیوان بین المللی دادگستری می گوید: «تحولات حقوق بین الملل تردیدی به جای نگذاشته که هدف نهایی «مأموریت مقدس» که در بند ۱ ماده ۲۲ میثاق جامعه آمده، «تعیین سرنوشت همه مردم آن سرزمین است». دیوان می گوید: «حق مردم برای تعیین سرنوشت امروز حقی عام المشمول (Erga Omnes) است. منبع: دفتر سازمان ملل <http://www.humanrights-iran.ir/asp.x.۱۶۵۴۸-news>

به توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خویش ادامه دهند.
اصل آزادی تعیین سرنوشت و جدایی چاره ساز
اصل تعیین سرنوشت یکی از اصول پایه حقوق بین الملل معاصر است و یکی از اصول حقوقی است که از قرن معاصر برای کشورها و ملت ها در نظر گرفته شده است. این حق Erga Omnes یعنی جهان شمول است و همه مردم حق دارند آزادانه و فارغ از مرزها، فرهنگ ها و مذاهب بیگانهگان وضعیت فرهنگی، سیاسی و اقتصادی خود را دنبال کنند و هر دولتی وظیفه دارد این حق را طبق مقررات منشور رعایت نماید. این اصل در ماده یک منشور و در زمره اهداف و مقاصد ملل متحد ذکر شده است.
منشور از حق تعیین سرنوشت به عنوان یکی از مبانی و پایه های روابط دوستانه و مسالمت آمیز بین دولت ها و ملت ها یاد کرده است. توجه روزافزون به مسئله دموکراسی، ارزش های حکومت دموکراتیک و حقوق بشر از یک سو و حقوق اقلیت ها از سوی دیگر دامنه مفهومی این اصل را غنی کرد و به آن استحکام بخشید. حق تعیین سرنوشت به عنوان حق مردم برای تعیین نظام سیاسی و اقتصادی و Self (در عبارت Self، اجتماعی که در چارچوب آن زندگی می کنند) تعریف شده است.
ماحصل فعالیت های ملل متحد بین سال های ۱۹۴۵ تا ۱۹۷۹، استقلال ۲۸ سرزمین بود؛ از ۱۹۸۰ تا ۱۹۹۵ نیز ۲۸ سرزمین دیگر به استقلال رسیدند و مورد آخر نیز استقلال تیمور شرقی در ۱۹۹۹ بود که البته جزو سرزمین های غیر خودمختار محسوب می شود. ماده ۲۳ منشور در ذیل تعهدات مقام اداره کننده موارد زیر را برمی شمارد: رعایت فرهنگ مردم، توسعه و ترقی سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و آموزشی، رفتار عادلانه، حمایت در برابر اجحاف و سوءاستفاده و انعکاس آمال سیاسی مردم.

فرازی از قطعه نامه (۱۹۶۰) ۱۵۱۴ سازمان ملل متحد و اسناد بین المللی در خصوص؛

"حق تعیین سرنوشت"

یکی از بنیادی ترین حقوق اقوام و ملل گوناگون، حق تعیین سرنوشت است. اندیشه های جدید، این حق را به انسان می دهد که خود درباره سرنوشت خویش و مصلحت خود تصمیم بگیرد و شیوه زندگانی خود و حتی نظام سیاسی خود را تعیین کند. حق مشارکت در حکومت و تعیین سرنوشت، در ماده ۲۱ اعلامیه جهانی حقوق بشر، مواد ۲۰، ۲۴، ۲۶، ۳۱، ۳۴ و ۳۸ اعلامیه امریکایی حقوق بشر، بندهای الف، ب و ج ماده ۲۵ میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی، ماده ۳ پروتکل اول کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، ماده ۱۶ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، بندهای اول و دوم از ماده ۲۳ کنوانسیون امریکایی حقوق بشر و مواد ۱۳ (بندهای اول و دوم) ۲۷ (بند اول) و ۲۹ منشور آفریقایی حقوق بشر و ملت ها قابل مطالعه و بررسی است.
در سال ۱۹۶۰ اعلامیه مهمی در زمینه اعطای استقلال به مستعمرات، به تصویب مجمع عمومی سازمان ملل رسید. ماده ۲۵ این اعلامیه بر این فلسفه استوار بود که تحت انقیاد و تسلط بیگانه قرار گرفتن، به نوعی انکار حقوق اساسی بشر و مخالف منشور ملل متحد است؛ لذا این اعلامیه مقرر داشت که همه ملت ها حق دارند، از حق خودمختاری برخوردار باشند و حق دارند که آزادانه وضعیت سیاسی خود را تعیین نموده و